

خانه حزب توده...

پس از صفحه ۱
خیابان، در فلان شهر، در فلان شهر کوچک یا بزرگ گرامی افتد، با عناوین مختلف، به مراکز، به کتابفروشیهای حمله میکنند. بدانند که این کار خطا و خلاف است. آن کسانی که اینکار را می کنند، از دو حال بیرون نیست، یا مردم خیرخواهی هستند و یا مردمان مغرض. اگر مردمان مغرض هستند، من همین جا و همین وسیله به آنها هشدار می دهم، بخدا قسم اگر بس تکبید، ما ملت را در برابر شما قرار خواهیم داد، و اما اگر مردمان خیرخواهی هستند، من الان به آنها میگویم: ای برادران خیرخواه که نمی دانید چه باید بکنید، این جمهوری اسلامی را مخدوش نکنید.

امام جمعه تهران، با اشاره به حقوق ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی در حفظ نظم اظهار داشت: «امروز ما دولت داریم، مراکز تصمیم گیری داریم، قانون و قانونگذار داریم، یگانهای کارها را مسئولان بکنند، کمیته ها، پاسداران شهرداری، آنها خودشان میدانند که چکار باید انجام بدهند، شما حق ندارید غیر مسئولانه وارد قضایا و مسائل بشوید و اینگونه خدشه های را بوجود بیاورید که در مال برای جمهوری اسلامی بسیار سنگین و زشت است».

همانطور که امام جمعه تهران بدرستی تصریح کرده است، این گروههای حمله و تخریب ۱۰-۱۵ نفره، یا همفرس آنکه که آگاهانه عمل میکنند، و یا «نمی دانند چه باید بکنند»، یعنی جاهل اند و نه آگاهانه چنین شیوه های آشوبگرانه ای را علیه احزاب، گروهها و سازمانهای مومن به انقلاب برگزیده اند.

مصلحت انقلاب...

پس از صفحه ۱
تواند با چنین دگرگونی اساسی در حیات فرهنگی کشور مخالف باشد.

اما انقلاب فرهنگی نه به ایجاد تغییرات در سیستم آموزش عالی منحصر میشود و نه با تعطیل دانشگاهها ملازمه دارد. انقلاب فرهنگی باید سراسر حیات آموزشی و فرهنگی جامعه را دربر گیرد و این یک اقدام فرسایشی و فوری نیست، که در عرض یکی دو روز، یا یکی دو ماه، یا حتی یکی دو سال انجام پذیر باشد؛ این روندی است طولانی و تدریجی که باید با دگرگونیهای بنیادی در نظام اقتصادی-اجتماعی کشور همپا باشد، تا نتیجه لازم از آن بیست آید. بدینجهت میتوان دانشگاهها و مدارس عالی را از تمام رنگارنگ و پلیدیهای استثمار و طاغوت زدود، برآنکه نیازی به تعطیل دانشگاهها باشد.

تعطیل دانشگاهها بسود انقلاب هم نیست، زیرا مهم ترین وظیفه مسئولان حراست از شور انقلابی توده ها و عروج این شور و شوق است، و این زمانی میسر میشود که گامهای اساسی در جهت تمیق انقلاب برداشته شود و انقلاب به زندگی توده های مردم رامیپا کند، نه آنکه با اقدامات شتابزده هر روز بیگناهی، آرزو و به ضد انقلاب فرصت یارگیری های تازه بپا زند. متأسفانه اعلام تعطیل دانشگاهها چنین فرصتی را به ضد انقلاب داده است. اگر گمان

هم چنانمیان و هم عناصر ناآگاهی که بدینال دو گروه اول سینه میزنند و بنام اسلام، کتاب می سوزانند و ویران میسازند و غارت میکنند.

عمل این گروهها از همان آغاز مورد اعتراض عناصر مسئول و آگاه قرار گرفت، که در شرایط نبرد عظیم با امپریالیسم امریکا، بدرستی اینگونه اقدامات را مخالف با مصالح کشور و به زیان انقلاب میدانند. روز پس از اشغال دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر نامه مردم، بیست گروه غیرمسئولی که خود را «جوانان مسلمان جنوب شهر» نامگذاری کرده بود، تقبیح اینگونه اقدامات هرج و مرج طلبانه انتشار یافت. در این اعلامیه تأکید شده بود که:

حمله به گروهها در خط امام نیست، اینگونه اعمال جز هرج و مرج نمره دیگری نخواهد داشت، این قبیل اعمال مذهبستایانه خوب و زمینه مساعدی است که ضد انقلاب زیر پوشش آن بیات و افکار و نقشه های خود را عملی سازد.

داستان کل کشور تصریح کرد که: «اگر افرادی به این کارها ادامه دهند، تحت تقبیح قانونی قرار خواهند گرفت».

متأسفانه علیرغم این تهدید، اعمال ویرانگرانه این گروههای ۱۰-۱۵ نفری ادامه یافت. آنان که مرکز حزب توده ایران را اشغال کرده بودند، با آنکه هویتشان لااقل برای برخی مسئولان روشن بود، همچنان به اشغال مرکز حزب و غارت اموال ما ادامه دادند، در شهرها اقدامات تهاجمی این گروهها بدون خوف از مجازات گسترش یافت، بسیاری از کتابفروشی های ما به آتش کشیده شدند و بسیاری از دفاتر مادر شهرستان به تصرف همین گروههای ۱۰-

۱۵ نفری به هویت درآمد، و این علیرغم اعلامیه داستان کل و ابراز تکرانی های مقامات جمهوری اسلامی درباره حاکم نبودن قانون در جامعه، وجود برنامگی و جو هرج و مرج و آشوب، بود.

این گروهها طی این هفته هفت نشانداده اند که بیجای سرطانی مستقیم نیستند و اگر در برابر اعمالشان، اقدامات قاطع و سریع قانونی بعمل نیاید، همچنان به شیوه های ناپسند خود ادامه خواهند داد و نتیجه این نحوه عمل، چه آگاهانه باشد، یعنی از سوی عناصر مغرض و چه ناآگاهانه، یعنی از جانب آنها که نمی دانند چه باید بکنند، یکسختی زمینی سازی برای توطئه های امپریالیسم امریکا!

ما مسرا خواستار آتیم که بر کشور قانون حکومت کند و ماهیت احزاب، سازمانها و گروه های سیاسی، و چگونگی عملکردشان در ترازوی قانون سنجیده شود، زیرا اگر جز این باشد، هر فرد غیر مسئول و هر گروه بی صلاحیت، موجودیت این یا آن حزب، این یا آن روزنامه مومن به انقلاب را به بازی میگیرد و بر اساس ارزیابیهای نادرست، شخصی، اعتقادات نجیب فردی، و سلیقه های ناجور خصوصی خود درباره آنان قضاوت میکند و دست به عمل میزند. در اینصورت اثری از یک جامعه متدین برجای نخواهد ماند و قانون جنگل میرجامه حکومت خواهد کرد.

در جامعه انقلابی ما باید، به گفته داستان کل کشور آیت الله موسوی اردبیلی، فعالیت سیاسی سالم، دور از هرگونه توطئه و تحریک آزاد باشد، و این همان چیزی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن صراحت دارد. بر این اساس، هر سازمان سیاسی که در چارچوب قانون اساسی و در راه آرمان های انقلاب فعالیت کند و علیه نظام جمهوری اسلامی ایران توطئه نکند

و دست به تحریک و آشوب نزند، باید حق فعالیت آزاد داشته باشد، و این یا آن فرد، این یا آن گروه از وجود این سازمان سیاسی بر اساس پیشداوریهای نادرست خود، دلخور باشد.

حزب توده ایران، این کمترین سازمان سیاسی ایران، دشمنان فراوان دارد. این دشمنان، از امپریالیسم تا کارگزاران داخلی و هواداران آن، تا عناصر ناآگاه و فریب خورده را دربر میگیرد. نمیتوان به توطئه ها و تحریکات و دامهای ضد انقلاب، که مستقیم و غیر مستقیم علیه حزب توده ایران انجام میگیرد، برهان آورد و یا به آن میدان داد. نمیتوان بر اساس قایل و خواست این یا آن گروه، این یا آن فرد به حزب توده ایران اجازه فعالیت قانونی داد و یا نداد. باید قانون اساسی جمهوری را پیش روی گذارد، عملکرد حزب توده ایران را در چارچوب آن سنجید و وقتی در کارنامه این حزب جز دفاع سرسختانه از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و پشتیبانی از خط امام خینی چیزی وجود ندارد، موجودیت قانونی آنرا تأیید کرد و امکان فعالیت آزادانه آنرا فراهم ساخت.

ما انتظار داریم که بدینال بیانات صریح حجت الاسلام خاتمی، امام جمعه تهران، بریعدالتی، که از شیوه عمل گروههای مغرض و نادان بر حزب ما رفته است، پایان داده شود، از ما رفع تضييق بعمل آید، و دبیرخانه کمیته مرکزی حزب ما یعنی خانه حزب ما، و دفتر نامه مردم، از کان مرکزی حزب ما، هر چه زودتر بما بازگردانده شود. دفاتر حزب ما و مراکز فروش نشریات ما در شهرستانها بار دیگر اجازه فعالیت قانونی یابند و گروههای کافر مسئولان عمل کرده، بر ما خیارات فراوان وارد آورده و نظام جمهوری اسلامی را مخدوش ساخته اند، کثیر قانونی ببینند.

علی ادا مه دهند. ما پیشنهاد میکنیم که مسئولان وزارت آموزش و پرورش نیز، انصاف بخرج دهند و در برخی از تصمیمات غیر لازم خود مانند آتیم- نامه هشت ماده ای ثبت نام، دور سر کردن مدارس، دریافت شهریه ۱۷۱ تومانی از کلیه دانش آموزان و غیره تجدید نظر کنند، تا تسخیر و هیمان کونی در محیط آموزشی فروکش کند و ضد انقلاب، که مترصد فرصت است، امکان عمل نیابد.

به دانش آموزان و دانشجویان و همه فرهنگیان انقلابی و آگاه نیز هشدار میدهم که، علیرغم عدم رضایت از این یا آن تصمیم مسئولان، متوجه تحریکات ضد انقلاب باشند و اسیر احساسات خلم نشوند.

دشمن عمده، یعنی امپریالیسم امریکا، در گمین است، تا با سوءاستفاده از جو تشنج درگیری تمام دستاوردهای انقلاب ما را نابود سازد. در برابر هذلولای حراست از انقلاب، باید هشیازانه و با تمقل عمل کرد و به ایجاد جو آرام کمک رساند. هر نوع اعتصاب و تحصن و درگیری و تشنج در این شرایط بفریح و حاسی، به زیان انقلابی است که چنان بیای گرانسی برای آن پرداخته ایم.

عمل بخردانه از هر دوسو، می تواند نقشه های امپریالیسم امریکا و ضد انقلاب پروردانش را خشتی سازد، و این وظیفه مسئولان، وظیفه دانش آموزان و دانشجویان و همه فرهنگیان است.

حجت الاسلام باهنر

پس از صفحه ۱
انقلابی توفیق این بود که نظم تازه، نیروی کار انسانی جدید و روسای جدید روی کار آیند و دولت اصرار داشت برای تثبیت «کمیت جدید نظم را مستقر کند».

دکتر باهنر سپس در مورد برخورد های متفاوت شورای دولت موقت به مسئله نهادهای انقلابی مسئله دیگر جوشیدن نهاد های خودجوش بود، مثل کمیته ها و سپاه پاسداران، که بتدریج شکل می گرفت و دادگاههای انقلاب، که از اولین روزهای پیروزی مستقر شد. اینها آن خواست انقلاب بود که هم میخواست نظم را بوجود بیاورد و هم میخواست نظم نزهای بوجود بیاورد، و نمیخواست با ادارات و تالیفات گذشته کار خودش را شروع کند... و در این جایز هم مسئله ای پیش آمد... دولت موقت در برابر این نهادهای خودجوش و توی نظر مساعدی نداشت. دولت موقت اصرار داشت که نظم را حفظ کند».

دکتر باهنر پس از اشاره به مخالفتها و مقاومتی که از سوی ضد انقلاب در مقابل نهادهای انقلابی وجود داشت، چنین ادامه داد: «این مسئله (مسئله برخورد به نهادهای انقلابی) باعث شد که درگیری شورای انقلاب، با دولت موقت در درون شروع شد. شورا طرفدار نهادهای انقلابی مثل سپاه پاسداران، کمیته ها و جهاد سازندگی بود و دولت سخت طرفدار ایجاد نظم اداری بود».

دکتر باهنر سپس به اختلاص نظریه های شورای انقلاب و دولت موقت در زمینه سیاست خارجی اشاره کرد و گفت: «در این مورد (سیاست خارجی) شورای انقلاب اصرار داشت با نهضت های آزادیبخش و کشورهای اسلامی چون الجزایر، سوریه و لیبی روابط خیلی سرپوشد. مقاومت در برابر امپریالیسم امریکا و دیگر امپریالیستها شدیدتر و قاطع تر باشد. اقدامات دولت در این زمینه خیلی وسیع نبود. نتیجه این شد که در آبان ماه سال ۵۸ مسئله اشغال سفارت امریکا توسط دانشجویان خط امام پیش آمد، یعنی مقاومتی در مقابل سیاستهای خارجی دولت موقت بود».

اقدامات اجرائی شورای انقلاب دکتر باهنر پس از اشاره به اقداماتی که شورای انقلاب در زمینه های قانونگذاری (تصویب ۹۰۳ لایحه و ۱۰۸۲ تصویب نامه) به عمل آورده است، در مورد فعالیت های اجرائی شورا در زمینه های مختلف براندازی و سازندگی، رئیس این اقدامات را بر شمرده و گفت:

در بخش براندازی: «همستگیری و مجازات عناصر وابسته و خانی، مصادره کاخها و عوامل سر - سردگان طاغوتی، انحلال سازمانها و ادارات زائد، پاکسازی ادارات از افراد ضد انقلاب، جلوگیری از تکرارها و سوءاستفاده های که انجام می شد، مبارزه با فساد در سطوح مختلف».

در زمینه خارجی: «دخارج کار - شناسان و مستشاران خارجی، لغو قراردادهای امپریالیستی هم در زمینه های نظامی، هم سیاسی و هم اقتصادی».

در بخش سازندگی: «ایجاد نظم و حاکمیت انقلاب، تدوین و تشکیل نظام جدید، حفظ امنیت در مقابل توطئه ها، کمک به معرومان و مستضعفان و ایجاد کار برای آنها، تعدیل ثروت، عمران و آبادانی

کشور، بالا بردن سطح تولید کشاورزی، راه اندازی و توسعه صنایع، انقلاب فرهنگی، اقدامات تبلیغی اسلامی و ورزشی، معنوی، د فتر باهنر در بخش دیگری از سخنان خود به ریز فعالیت های شورای انقلاب در زمینه ها و عرصه های مختلف از جمله مسئله نفت در رماندازی پالایش در پالایشگاههای ایران، قطع صدور نفت به اسرائیل، قیلمین امریکا و آفریقای جنوبی، اخراج مستشاران خارجی در صنعت نفت، تثبیت قیمت عادلانه فروش نفت و همچنین اقدامات شورا در زمینه های خدماتی همچون، پست، تلگراف و تلفن، آب و برق، رامسازی، رماندازی صنایع، مسائل مربوط به کشاورزی، آموزش و پرورش، خانه سازی اشاره کرد. وی از جمله گفت: «در زمینه مسکن ۱۱۲ هزار و ۷۲۸ واحد مسکونی در سال گذشته تولید شد، ۹۹۴ پروژه ساختمانی های عمومی توسط وزارت مسکن ساخته شد. در حال حاضر ۴۵۰۰۰ واحد ارزان قیمت در اختیار داریم که تعداد ۱۵۰۰۰ آنرا در اختیار بیاد مسکن قرار داده».

دکتر باهنر ضمن اشاره به صدور پروانه خانه سازی در سال ۵۸ و مقایسه آن با سال ۵۸ گفت: «در سال ۵۸ در تهران ۱۰۰۷۸ پروژه ساختمانی داده شد و تنها در سال ۵۸، ۱۶۹۹۹ پروژه ساختمانی داده شده است».

دکتر باهنر در مورد پست و تلگراف گفت: «۱۴۶ شهر و روستای جدید بعد از انقلاب تحت پوشش پست قرار گرفتند. در ۵۱ پستی و روستا تلفن دایر شده است».

دکتر باهنر در مورد برق رسانی گفت: «در یک سال و نیم گذشته به ۳۶۰۰ روستا برق رسانی شده که قبلا نداشتند».

دکتر باهنر در مورد مالکیت صنایع بزرگ و خصوصی گفت: «با طرح شورا در این زمینه بسیاری از صنایع ملی شدند. ۷۰ درصد و ۸۸ از کل صنایع پستی خصوصی به مالکیت بخش عمومی و دولت درآمد مجموع سرمایه بخش خصوصی ۱۷۸ میلیارد تومان بود که ۷۰ درصد آن به مالکیت بخش عمومی درآمد».

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

- اقتضاری ۳۰۰۰۰ ریال
- وطن اولی ۳۰۰۰۰ ریال
- احمد ۱۰۰ مارک غربی
- قطعه دوستان از مشهد
- ۵۰۰۰۰۰ ریال
- ۱۰۰۰۰۰۰ ریال
- ۷۰۰۰ ریال
- ۵۰۰۰۰۰ ریال
- سازمان حزب توده ایران در بوشر ۵۰۰۰۰۰ ریال

مجموع به فرزندگان نامه مردم در ترمینال ۴۵۰۰ ریال

علاقندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نامتهی کمیته شماره ۳۲۲۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاماسامیل ستوی)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی بیرادزند.

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکائی) ضرورت انقلاب ایران است

مطبوعات ایران در چنگال منابع خبری امپریالیستی

جدول شماره ۲

روزنامه	امیرالیسم	مقاله‌های ترجمه شده از مقاله‌های ترجمه نشریات وابسته شده از نشریات امیرالیسم	مقاله‌های ترجمه شده از مقاله‌های ترجمه نشریات وابسته شده از نشریات امیرالیسم
کجهان	۵	۱	۱
اطلاعات	۷	۱	۱
بامداد	۲۶	۱	۱
انقلاب اسلامی	۱	۱	۱
جمهوری اسلامی	۴	۱	۱
صبح آزادگان	۱۳	۱	۱

تعداد مقالاتی که در ۲۰ شماره ۶ روزنامه در اردیبهشت ۵۹ آمده است.

تاکنون مسئولین جمهوری اسلامی چندین خبرنگار خبرگزاریهای امپریالیستی را به علت دادن اخبار دروغ و تحریف شده از ایران اخراج کرده‌اند و حتی چندین خبرنگار به خاطر جاسوسی بازداشت شده‌اند. تمام این اقدامات درست می‌تواند گامی مثبت در جلوگیری از نشر اخبار و تفسیرهای دروغ درباره انقلاب ایران در جهان باشد. اما آنچه نوبه خود اهمیت حیاتی برای انقلاب ایران دارد، دادن اخبار سالم، درست و غیرمغرضانه در مورد وقایع ایران و جهان به مردم ایران است. این اخبار تنها از منابعی می‌تواند تأمین شود که، انقلاب ایران و سایر انقلاب‌ها و جنبش‌های رهاشی بخش جهان را بخوبی درک کرده باشند و در کنار این انقلاب‌ها و جنبش‌ها باشند، نه خبرگزاریهای امپریالیستی و صهیونیستی، که انقلاب ایران و دیگر جنبش‌های آزادیبخش، بزرگترین ضربه را به منافع به اصطلاح حیاتی آنها وارد کرده است.

آقای ابوالقاسم صادق در مصاحبه خود بدستی به این نکته اشاره کردند و گفتند:

به نظرم خبرنگاران خارجی مثل بچه مرغابی هستند که با جای مادران خود می‌گذارند... دید کشورهای بلوک شرق یا کمونیستی نسبت به انقلاب اسلامی ایران به مراتب مثبت‌تر بود. شاید به این خاطر که مشی ضد امپریالیستی انقلاب ایران را کامل درک نموده‌اند.

به طرز متناهی راهی که می‌تواند انقلاب ما را از خطر بخش اخبار مسموم این خبرگزاری‌ها در جهان نجات دهد، کنترل جدی اخباری است که خبرگزاریهای امپریالیستی درباره ایران و جهان منتشر می‌کنند. اخبار و تفسیرهای خبرگزاری‌های امپریالیستی را باید با ملوک ماسع انقلاب ایران، منافع خلقهای جهان، منافع جنبشهای انقلابی و ضد امپریالیستی در سراسر جهان سنجید و سپس مورد استفاده قرار داد.

اخبار و تفسیرهای خبرگزاری‌های امپریالیستی را باید با ملوک ماسع انقلاب ایران، منافع خلقهای جهان، منافع جنبشهای انقلابی و ضد امپریالیستی در سراسر جهان سنجید و سپس مورد استفاده قرار داد.

همانطور که در جدول دیده می‌شود، ۹۳٪ ماسع کل خبرهایی که در ۶ روزنامه اطلاعات، کجهان، بامداد، انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و صبح آزادگان نقل شده است، از منابع خبری امپریالیستی است و تنها ۷٪ از خبرها از منابع غیر امپریالیستی نقل شده است. حتی روزنامه‌هایی که مدعی پیروی از خط "نه شرقی، نه غربی" هستند، عملاً در دام خبرگزاریهای امپریالیستی افتاده‌اند و زهرساز خبرگزاریهای امپریالیستی را در خبرهای خود دارند. تعجب آور و تافه آنکه است که حتی خبرهای کشورهای "جهان سوم" و کشورهای سوسیالیستی نیز به جای نقل از خبرگزاریهای رسمی این کشورها، از طریق همین "پرس"ها گزارش می‌شود.

این موضوع درباره ترجمه مقاله‌هایی که در مطبوعات ما به چاپ می‌رسد نیز صادق است. اکثر مقالاتی که در روزنامه‌های ایران به چاپ می‌رسند، تحلیل‌ها و تفسیرهایی است که انحصاراً از امپریالیستی در جهت حفظ منافعشان در نشریاتشان به چاپ می‌ریزند. ساده لوحانه است، اگر سائور کسم که، یک مجله مانند "توزیوک" و "یا اشترون" و صدها نمونه دیگر از این نوع، که به کمک انحصارات بین‌المللی و در جهت ترویج آنها، منتشر می‌شوند، چیزی خلاف آنچه که راکفلرها، فوردها و دیگران می‌خواهند، انتشار دهند. و متأسفانه مردم ایران باید خواننده همان تفسیرهایی باشند که انحصارات کشورهای امپریالیستی مفسران هستند.

جدول شماره ۲ نشان دهنده آماری است که از ۴ شماره ۶ روزنامه در اردیبهشت ماه استخراج شده است. نظریه جدول نشان می‌دهد، روزنامه‌های اطلاعات، بامداد و انقلاب اسلامی اصلاً مقاله‌ای از منابع غیر امپریالیستی نداشته‌اند و روزنامه‌های کجهان و صبح آزادگان هر کدام تنها یک مقاله از منابع غیر امپریالیستی آورده‌اند. در هر یک از این روزنامه‌ها مقالاتی بدون ذکر نام منبع آمده است و یا اگر هم ذکر شده سهم و نام شخصی است. برای مثال روزنامه جمهوری اسلامی در ۲۰ شماره ۶ اردیبهشت ماه، ۷ مقاله با نام "مطبوعات خارجی"، "مطبوعات اسلامی" و غیره آورده است. گاه در مطبوعات ایران به مقالاتی برخورد می‌کنیم که ظاهراً منظورشان می‌دهد که مولف آن ایرانی است ولی تا کمی دقت معلوم می‌شود که آن مترجمه است.

اشاعه اخبار و تفسیرهای دروغ و تحریف شده در جهت منافع انحصارات امپریالیستی عمل می‌کند. خبرگزاریهای امپریالیستی با یخت اخبار و تفسیرهای دروغ و تحریف شده سعی می‌کنند که در جنبه "خلق تعریف بیاورند و از بردن شدن نیروهای خلقی به کدیکر جلوگیری به عمل آورند و جمهوری اسلامی ایران را نسبت به متحدانش بدین سازند. آنها در ارتباط کامل با دیگر سازمانهای جاسوسی و عمال خود طبق نقشه این اهداف خود را دنبال می‌کنند.

برای نمونه می‌توان از سناریوی "ترس-مکریکو" نام برد. که چگونگی عمل آنها را نشان می‌دهد، به این ترتیب که، ابتدا اعلامیه‌ای بوسیله عوامل شناخته شده و روسای حزب خلق مسلمان در تریزبخت می‌گردد. پس از آن توسط یکی از این خبرگزاریها، خبر از اصل مجعولی را به کاردار سفارت شوروی در مکزیکو نست می‌دهند، نتیجه آرام هم دیدیم.

دروغ‌پردازیهای خبرگزاریهای امپریالیستی به قدری وقیحانه است که خشم و نفرت محافل اجتماعی و روزنامه‌های ترقیخواه کشورهای غربی را نیز برانگیخته است. روزنامه اومانیه، ارکان مرکزی حزب کمونیست فرانسه، ضمن بررسی خبرهای خبرگزاری فرانسه در مورد افغانستان و دیگر نقاط جهان، بر اساس شواهد و حقایق غیر قابل انکار می‌نویسد:

"این خبرگزاری که با پول ملت اداره می‌شود به دستگاه دروغ و تحریف تبدیل شده است. اومانیه می‌گوید:

مدیریت خبرگزاری فرانسه، دست‌نشانده انحصارات فرانسوی است."

یک نمونه از دروغ‌پردازیهای این خبرگزاریها در جریان برگزاری بازیهای المپیک بود که آشکرترین معذاری رساله در میدان سرج مسکو را "خودسوری یک مرد محاربه کردند. اما آتش آتشد شور بود که تمام این خبرگزاریها کساعت عد محبوره تکذیب حیرت خود شدند. ولی با نهایت تافه، یکی از روزنامه‌های صبح تهران، دو روز بعد این خبر را با عکس و توضیحات، و با تیتردشت در صفحه اول خود چاپ کرد.

نامه "مردم" به دفعات مقاله‌های گوناگون در مورد دروغ‌پردازیها و لحن پرانگی‌های این

خبرگزاریها علیه انقلاب ایران نوشته است. ولی متأسفانه هنوز روزنامه‌ها و اخبار رادیو و تلویزیون

در تحریف این خبرگزاریها است و رسانه‌های گروهی ایران دنیا را از همان درجه‌های که کشورهای

امپریالیستی به آن می‌نگرند، به مردم ایران نشان می‌دهند.

در جمع‌بندی که در ماههای اسفند و فروردین

توسط نامه "مردم" صورت گرفت، نشان داده شد که بیش از ۹۰٪ منافع خبری رادیو ایران، خبرگزاریهای امپریالیستی است. این موضوع درباره مطبوعات روزانه نیز کاملاً صادق است. جدولی که در این صفحه آمده است، به روشی نشان می‌دهد که اکثر منابع خبری مطبوعات را خبرگزاریها و منافع امپریالیستی تشکیل می‌دهند. (آمار که در این جدول آمده متعلق به ۲۰ شماره از هر یک از روزنامه‌های ذکر شده در اردیبهشت ماه ۵۹ است.)

منابع خبری روزنامه	خبرگزاری فرانسه	رویتر	اسوشیتهد پرس	یونایتد پرس	خبرگزاری تنس	دیگر خبرگزاریها	خبرگزاریها	درصد خبرهای	درصد خبرهای
اطلاعات	۲۶	۲۵	۶۶	۵۰	۵	۲۲	۱۱	۲۳٫۱	۲۳٫۱
کجهان	۲۶	۱۸	۲۴	۲۰	-	۲۵	۸	۲۹٫۱	۲۸٫۱
بامداد	۱۳۸	۲۵	۱۰۲	۲۷	۹	۳۰	۱۳	۲۳٫۱	۲۳٫۱
انقلاب اسلامی	۲۲	۳۵	۴۰	۲۹	۶	۶	۵	۲۳٫۷	۲۳٫۷
جمهوری اسلامی	۶۰	۲۳	۷۰	۵۵	۸	۶	۱۲	۲۹	۲۹
صبح آزادگان	۳۹	۴۰	۸۴	۶۲	۷	۱۹	۶	۲۴٫۴	۲۴٫۴
صبح	۲۵۶	۱۸۱	۲۸۶	۲۵۲	۲۵	۱۰۸	۵۶	۲۳	۲۳

تعداد خبرهایی که ۶ روزنامه صبح و عصر ایران از منابع مختلف در ۲۰ شماره اردیبهشت ۵۹ نقل کرده‌اند.

اشکال ناخرسندی در جامعه

کنونی

مدتهاست که دوناخرسندی نامبرده (کسه) البته باهم تفاوت دارند) باهم نزدیک شده‌اند و کمترین نقش ناخرسندی اخیر، مانند گروه "فره‌شی" در شلی، تسهیل عمل ضد انقلاب و آماده‌سازی محیط برای آنهاست. این عده که در دستگاه هم نشسته‌اند، همه‌جا اعمال موثری دارند و به برکت فعالیت آنهاست که پس از انقلاب عمیق ضد امپریالیستی و خلقی، با وجود رهبری شخصیتی مانند امام خمینی، که این دو هدف را شایسته دنبال می‌کنند، همچنان تلاش می‌شود که امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاههای اجتماعی آن، سرمایه‌داران وابسته و مالکان بزرگ از زیرضربه خارج شوند و بسر عکس "کونسم" و بطور مشخص اتحاد شوروی و حزب توده ایران جای آنها را بگیرند.

(۳) اما متأسفانه ناخرسندی سومی در جامعه بسط می‌یابد، که دارای منشأ ضد انقلابی بالیمیرالی نیست. این ناخرسندی تلخ، که در میان توده‌های مردم، مردمی که ما صد امیدواران فدائیکاری در انقلاب شرکت می‌کنند، گسترش می‌یابد، ناشی از آنست که دست اندرکاران نفع‌اند در عرصه عمل می‌شود زحمتکشان گام‌های موثری برداشته‌اند، تا آنجا که امام خمینی را واداشتند از مردم عذرخواهی کند، بلکه گاه در جهت خلاف آرزوها و انتظارات مردم عمل کرده‌اند. شیوه‌های نادرست سیاسی، بی‌عملی در عرصه اقتصاد و و خامت روزافزون وضع در زمینه‌های گوناگون و بی‌کفایتی، استفاده‌هایی که از امکانات برای طرد عناصر شریف به‌مانه‌های مختلف قشری و انحصارگرایانه می‌شود، دشواریهای زندگی روزمره زحمتکشان و غیره از منافع مهم ناخرسندی عمومی است.

نسبت باین ناخرسندی‌ها نباید و نمی‌توان خونسرد بود. ما زهمه نیروهای انقلابی و همه‌زمانداران جمهوری، که در خط امام حرکت می‌کنند، چشم داریم که تا اوضاع بدبختی ضد انقلاب جلی و خفی از اینهم دردم تروراز اینهم تیره‌تر نشده است، دست به اقدامات عملی بزنند.

دستاوردهای مختلف انقلاب مابسی بزرگو در خوردن تحسین و اعجاب است. کار عظیمی در جهت استقلال و رهایی کشور ما انجام گرفته، ولی این کار هنوز چنان ناتمام است، که اگر غفلت شود، می‌تواند بوسله عقیداران ضد انقلاب و نیروهای ضد انقلابی داخلی و خارجی و امپریالیسم مخ شود و به‌صفتی بازگردد.

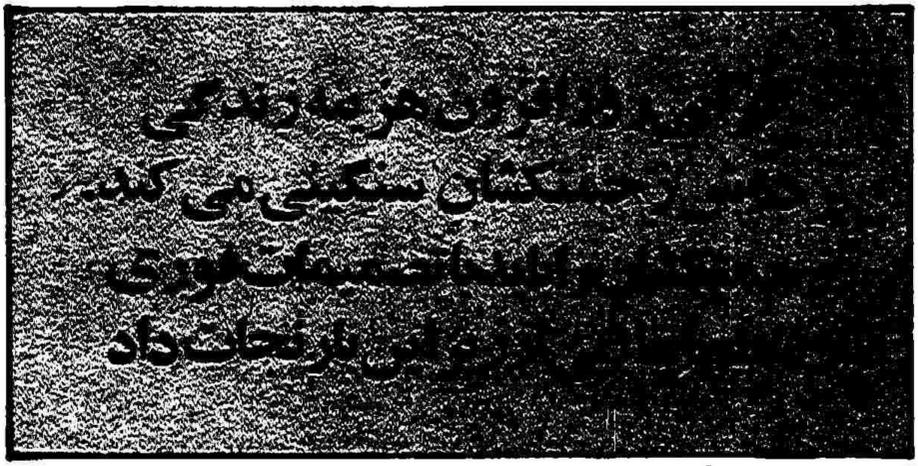
دیگرفت آن رسیده است که ما اشکال ناخرسندی را، که از جهت منشأ پیدایش و کیفیت خود باهم تفاوت ماهوی دارند، از هم تمیز دهیم و بر اساس این تمیز، برخورد جداگانه‌ای بهرک داشته باشیم.

(۱) ناخرسندی نوع اول دارای منشأ ضد انقلابی است. لذا کفایت خرابکارانه و توطئه‌گرانه به خود می‌گردد. این ناخرسندی از نفس و نفوس یک انقلاب ضد امپریالیستی و دارای خصلت خلقی برخاسته است. کسانی بودند که شاید در حد "قصابی آسیایی" که رژیم گذشته وعده می‌داد، با در حدود سوال دمکراسی "قصابی تاهوربختار (که البته وعده‌های است بکلی غیر جدی به قصد فریب دادن) با حفظ نظام سلطنتی، "موافق قانون اساسی ۱۹۵۶" میل داشتند تفسیراتی شود و بویژه از شاه و اشرف و شهرام دل پری داشتند. ولی می‌خواستند که ایران گماکان مستعمره آمریکایی معاند و خانمها و آقایان مزایای گنج با آورد را حفظ کنند و بر ارکسه قدرت بمانند. آنها همراه تمام نوکران سرسپرده استبداد پهلوی از همان آغاز ناخرسند بودند.

(۲) عده‌ها، بلافاصله پس از انقلاب، لیبرال‌ها به این ناخرسندان پیوستند.

لیبرال‌ها و جمهوری خلق مسلمان، هر یک بر حسب طاقت خود، تمام سعی خود را بکار بردند و بکار می‌برند که این انقلاب را از خصلت ضد امپریالیستی و خلقی آن تهی سازند. جمعی از آنان (مانند نژیبه و مراغه‌ای) هم اکنون آشکارا به ضد انقلاب پیوسته‌اند. جمعی از آنها که محتاط تر رفتار کرده‌اند، گماکان ممتازترین گروه‌ها از خط امام خمینی هستند، که از مزایای وکالت و وزارت هم برخوردارند و حتی گماکان زیاد، تصرف کامل قدرت حاکم را می‌کنند.

لیبرالیتهایی که قدرت مانده‌اند و متأسفانه هنوز نفوذ بسیار وسیعی در بازار دولت و مطبوعات و رسانه‌های گروهی دارند، عمیقاً از وضع ناخرسندی و ناخرسندی وسیع و شدید راضی نیستند. منتها چون ملای برخی از مسئولان جمهوری برای تشخیص دوست و دشمن، ظاهراً ملایک‌های ظاهری دیانتی است و به‌شمار عمیق امام خمینی، که از زبان حافظ گفت: "ای بسا خرفه که مستوجب آتش باشد" بی‌نبرده‌اند، همان اجراء مناسک عبادی برای آنها کافی است، که لیبرالها را مراتب بهتر از کسانی می‌پذیرند که به خلق و هدفهایش وفادارند. تبلیغات وسیع ضد کمونیستی امپریالیستی به جهت اثرات خود را کرده است.



یکی از کارگران کوره پزخانه:

در کوره پزخانه های تکا (ساری)

«بانان و چای نمی توان کار کرد!»



شرایط کار، کمربتن و طاقت فرسا، ولسی نیروی کارفرما و ارزان است. برای کارفرما از کارگران فرصت هست تا نازل ترین، مطمئن ترس و بی دردترین را برگزیند.

کارگران کوره پزخانه نمی از سال رایسکارند. ولی چه سگ که کارفرمایان برخوان بغا خوشنشینند. اند و همه لحظاتی را بی دغدغه بکار خوش می گیرند. کارگران بیکار باشد، برای کارفرما اصلا اهمیتی ندارد. مهم اینست که کارگران بهر جان کندی که شده، رام و سربراه و کاری مانند. فردا را زنده باشند. تا باز کارکنند و برکبه سیری ناپذیر آنان، در بنیان کج های تازه بکشایند.

حال روز کارگران کوره پزخانه های «تکا» هم مثل همه زحمتکشانی است که در سراسر کشور ما، در کوره پزخانه ها کار می کنند.

در طول مسر نکا - هزار جریب، بیخه از ۲۵۰ دستگاه کوره آجر بزی وجود دارد. ظرفیت ها متفاوت است. در هر مرتبه، تولید از سی هزار تا سیصد هزار عدد آجر است. در این منطقه گل مناسب برای خشت خام است و کوره ها با نفت سیاه کار میکنند. آب مورد احتیاج را بوسیله تانکر ویا تراکتور بک دار از نقاط دیگر می آورند.

برای بررسی مشکلات و خواستهای کارگران بیای صحبت آنها می نشینیم:

بشتر کارگران افراد بومی هستند. کودکان خردسال از پسر و دختر ۱۰-۱۳ ساله و سالخوردهگان ۶۰ ساله، که در اینجا کار می کنند، کم نیستند. درصد کمی از کارگران، اعمالی هستند. کارگران بومی علاوه بر کار در کوره پزخانه ها، کشاورزی هم می کنند، چون مزدی که در کوره پزخانه ها می گیرند، نمی تواند مخارج زندگی آنها را تأمین کند.

کار در این کوره پزخانه ها بد صورت است:

- ۱- کار کنتراپی، که معمولاً خشت زنی است.
- ۲- کار روز مزدی.



فوزندان زحمتکشان باید در کلاس های درس آموزشی ببینند و پرورش یابند!

انقلاب می گذرد، کوره پز و محرومیت را از دوش کارگران برگیرند تا زحمتکشان انقلاب را در زندگی خود لمس کنند. کارگران با خواست های مشخص خوشی به درستی راه را نشان میدهند:

از کار کودکان و نوجوانان جلوگیری کنید!

فوزندان زحمتکشان باید در کلاس های درس استعداد های خود را بروز دهند.

قوانین مترقی کار (نظیر ۴ ساعت کار در هفته، دستمزد کافی و مساوی در برابر کار مساوی، شمول قانون کار بر کلیه کارگران، بیمه بیکاری و بیمه های اجتماعی و بازنشستگی) باید در مورد این کارگران به مورد اجرا درآید و کارفرما ملزم به پیروی از این ضوابط شود.

بی شک فقط با اجرا گذاشتن موارد فوق میتوان نتایج انقلاب را ایمان آنان برد. و آنان راه آینده های سعادت بار بشتگرم کرد.

کارگران کنتراپی زمان مبینی برای کار کردن ندارند. معمولاً از سبده دم و عقول خودشان «صبح علی الطلوع» تادل شب، خشت رسی بیشتر کنتراپی است، چون سخت ترین کار است و به نیروی زیادتری نیاز دارد.

یکی از کارگران خشت زن، که دارای همسر و دو فرزند است، می گوید:

«هر هزار خشتی که بزنیم، ۵۰ تومان مزد می گیریم، روزانه (بظور متوسط) هزار و پانصد تا خشت می زنیم. ولی این دستمزد به هیچ وجه زندگی ما را اداره نمی کند.»

البته در جوانی بیشتر کاری کرده، ولی حالا: «بشتر از این نمی توانیم، برای اینکه بیشتر خشت بزنیم باید غذای خوب بخوریم. پاشه وعده نان و چای هر روز، که نمی توان کار کرد.»

کمی دستمزد و بیکار ماندن نصف سال ساعت



کارگران کوره پزخانه ها: دولت باید ما را بیمه کند، تا آتیه داشته باشیم

اعلام جزم شورای اسلامی کارکنان پارس الکتریک علیه وزیر کار و هیئت حل اختلاف وزارت کار

از طرف کارکنان کارخانجات پارس الکتریک و شرکت های تابعه (این کارخانه پس از انقلاب جزء کارخانجات ملی اعلام شد) طی شکایت نامه ای خطاب به دادستان کل انقلاب آیت الله قدوسی، علیه اقدامات هیئت حل اختلاف وزارت کار و وزیر کار و اطرافیان اعلام جرم شد.

کارگران این کارخانه پس از پیروزی انقلاب و بدنبال پاکسازی کارخانه از عناصر طاغوتی و ساواکی، گروهی از وابستگان و همکاران رژیم گذشته را از کارخانه اخراج کردند. یکی از اخراج شدگان شخصی به نام «عباس براتی» بود. این شخص در هیئت حل اختلاف وزارت کار نیز عضویت داشت و مبلغ ۱۳۰۰ تومان از آنجا دریافت می کرد. وی ابتدا با شکایت کارگران از این هیئت و سپس از کلر خانه اخراج شد. به استناد شواهد و مدارک ارائه شده از طرف کارگران ثابت شده بود که این شخص با رژیم گذشته و ساواک همکاری داشته است. اما وزارت کار وی را بیکانه تشخیص داد و وزیر کار نیز بیکانه او را تایید کرد و قرار شد مبلغ ۱۳۰ هزار تومان بعنوان غرامت به این شخص پرداخت شود.

کارگران پس از آگاهی از این موضوع، با اتفاق یکدیگر بنزد وزیر کار رفتند و به عمل وی اعتراض کردند و توضیحی که دادند، ایشان پذیرفتند که عباس براتی مفسر است و نباید پولی به وی پرداخت شود. وزیر کار در حضور نمایندگان شورای اسلامی کارکنان پارس الکتریک، که ۲۱ نفر بودند، قول داد که بهر طریقی شده جلوی اجرای حکم را، که خود وی امضا کرده بود، بگیرد. روز بعد از آن، طی تماس کارگران با وزارت کار، آقای صدیق اسفندیاری، مأمور رسیدگی به موضوع گفته بود:

«اقدام لازم در این مورد شده است و وزیر طی نامه ای اجرای حکم را گرفتند.»

ولی پس از چند روز کارگران از پرداخت مبلغ فوق به «عباس براتی» آگاه میشوند.

پس از اطلاع از این موضوع، کارگران وزارت کار مراجعه کردند، ولی موفق به ملاقات وزیر کار نشدند. به همین دلیل طی شکایتهای خطاب به دادستان انقلاب علیه وزیر کار و هیئت حل اختلاف وزارت کار اعلام جرم کردند و خواستار رسیدگی به این شکایت و بازگرداندن مبلغ ۱۳۰ هزار تومان پرداخت شده به عباس براتی شدند.

نامه کارگران شرکت ساختمانی مانا

اخیرا نامه ای به امضای عده ای از کارگران شرکت ساختمانی مانا (واقع در جوی کای گیلان) خطاب به نامه مردم، ریاست کوبای محرومان و زحمتکشان به دست ما رسیده است، که در زیر به درج آن می-بردازم:

چرا موقع شرکت ساختمانی مانا که وابسته به سازمان کشتی گیلان است - رسیدگی نمی شود؟ قبل از پیروزی انقلاب، مسئولین شرکت چون خان ها در شرکت حاکم بودند، آنچه فریاد حق طلبی از حلقوم ما کارگران بر می آمد، از جانب کارفرما با تهدید و اخراج و حرف های رکیک پاسخ داده میشد او حتی کارگران را با فحاشی و ازدنگی از محوطه کارگاه بیرون می راند و هیچ کس هم به کار ما رسیدگی نمی کرد. چون طاغوت و طاغوتیان حکمروائی می-کردند.

یک سال و اندی است که انقلاب کبیر ما به رهبری خمینی بزرگ به ثمر رسیده است. ما همه خوشحال و سرایا شاد بودیم که وقت آن رسیده است که رهبران حکومت انقلابی، مشکلات ما را بررسی کنند و جلوی اجحافات مسئولین وقت را بگیرند. همچنین به حساب مسئولین گذشته رسیدگی کنند. متأسفانه تاکنون نه تنها به حساب و کتاب هیچکس رسیدگی نشده است، بلکه بدبختانه فردی را مسئول کارگاه کرده اند که خود فرزند یکی از بزرگ ترین فئودالهای معروف فوئات است. از زمانی که او مسئولیت کارگاه را به عهده گرفته است، بیشترین اجحافات را نسبت به کارگران و کارکنان شرکت روا داشته است.

اگر یک نفر از ما نسبت به پرداخت های غیر-قانونی او اعتراض کند، تهدید به اخراج و یا اینکه با جماعت داران او روبرو می شود.

ما بارها از مقامات مسئول تقاضا کرده ایم که جلوی پرداخت های غیرقانونی او را بگیرند. ولی تا به حال به این خواست قانونی ما توجهی نشده است. هر لحظه بیم آن می رود که شرکت مانا تعطیل و بانصد نفر پرسنل آن به خیابان بیایند.

ما از مقامات مسئول انتظار داریم که هر چه زودتر موضوع نابسامان شرکت ساختمانی مانا رسیدگی کنند و کسانی را که مرتکب اجحاف نسبت به کارگران شده اند، مجازات کنند.

با تقدیم احترام، عده ای از کارکنان شرکت ساختمانی مانا.

با امضا: عده ای از کارکنان شرکت مانا

بخواستهای کارگران شرکت صنایع دریایی رسیدگی کنید

حزب توده ایران سازمان شهرستان بوشهر

اخیرا در ارتباط با خواستهای و حقوق کارگران شرکت صنایع دریایی، اعلامیه ای از جانب حزب - توده ایران - سازمان شهرستان بوشهر منتشر شده است که به جهت اهمیت، قسمت هایی از آن را در زیر درج می کنیم:

... انقلاب ایران لحظاتی را می گذراند که در فضای آن صدای طیش قلب هر انسان آزاده ای شنیده می شود و به خصوص حساسیت این لحظات برای مردم این منطقه از کشور، کاملاً قابل احساس است.

آمریکای جنایتکار که با موج عظیمی از آگاهی و درک صحیح در کارگران ایران مواجه شده و خشن - عظیمی از امیدهایش به «پاشه میدل» گردیده است، در حال حاضر قسمتی از کشور ما، یعنی منطقه ای که مادر آن زندگی می کنیم، را مورد نظر قرار داده است. لذا هم مردم ایران و به خصوص کارگران، که در واقع ستون اصلی انقلاب ایران اند، باید بطور جدی از این مسائل مطلع شوند.

باتوجه به چنین شرایطی، مسائلی که در شرکت صنایع دریایی می گذرد، کاملاً توجه انگیز است. کارگران این شرکت، که سالها زیر آسایش تحقیر آمیز سهامداران آمریکایی و درباری این شرکت بوده اند، پس از پیروزی انقلاب توانستند جرح های تولید را خود به دست بگیرند. ولی متأسفانه طرف این یک سال و نیم به مشور و ایمان این عناصر انقلابی و پاکبخت جواب مساعد داده نشده است. تا جایی که طبق اعلامیه کارگران، آنها با اینکه به هر دری زده اند و ماهها کرسنگی و بی حقوقی را کشیده اند، با همه اینها همه آمادگی خود را برای سینه سپر کردن در مقابل ناوهای آمریکایی و در هم شکستن تحریم اقتصادی آمریکا، اعلام کرده اند.

ما ضمن ستایش از این همه گذشت و فدا کاری و تحسین این آگاههای کارگران قهرمان، توجه آنها را به این مسئله جلب می کنیم، که نیاز به آرامش در سطح واحدهای تولیدی به منظور جرحی سریع تر جرح آمریکا - شکن تولید احساس می شود. ما هشدار می دهیم که هر عملی که موجب کند شدن امر تولید شود، می تواند مورد استفاده ضد انقلاب قرار گیرد. ما ایمان داریم که کارگران، که مهم ترین و نیرومندترین قدرت مدافع انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی هستند، کاملاً آگاهی دارند که انتخاب شیوه مبارزات صنفی آنان امری است که باید با موقع زمانی و مکانی و تناسب نیروی انقلاب و ضد انقلاب صورت پذیرد. زمانی که ضد انقلاب در کمین بسته تظاهرات و تحسین کارگران را بهانه ایجاد هرج و مرج و آشوب ضد انقلابی قرار دهد، مسلماً کارگران، بولودر سخت ترین شرایط باشند، قبول صبر و تحمل انقلابی را بر دست زدن به اقدامات - حادی که منجر به استفاده دشمن قرار گیرد، ترجیح می دهند.

حزب توده ایران - سازمان شهرستان بوشهر با توجه به اینکه بعضی شیوه های عملکرد در شرایط - کنونی می تواند مشکل آفرین باشد، لازم می دانند تا به کید کند که خواست های کارگران شرکت صنایع - دریایی کاملاً به حقت است. ما امیدواریم که مسئولین استان، به ویژه استاندار استان، در رفع مشکلات و خواستهای به حق کارگران قهرمان شرکت صنایع - دریایی سریعاً اقدام کنند و شرکت را از این بن بست خارج سازند و با همجریان انداختن این واحد تولیدی موجب کاهش تنگی در سطح استان شوند.

مرگ بر امپریالیسم جهانخوار آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان!

پیروز باد انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی - ایران به رهبری امام خمینی!

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در همه متحد خلق!

حزب توده ایران سازمان شهرستان بوشهر
۱۳۵۹/۶/۶

کارخانه کشک سابی لویزان با قوانین کار بیگانه است

صاحب بیک کشک سابی کوچک، واقع در لویزان تهران، از اول مرداد ماه امسال ۹ کودک ۱۱ تا ۱۷ ساله را استخدام کرده است. این کودکان روزانه ۱۰ ساعت کار می کنند، شرایط کار غیر بهداشتی، به ویژه برای کودکان طاقت فرسات.

صاحب کارخانه هیچ قراردادی با این کارگران جوان امضا نکرده و فقط به آنها وعده داده است که در پایان یک ماه کار، روزی سیصد ریال به آنها پرداخت کند.

تا به حال در چند مورد کارفرما حقوق کارگران را پرداخت نکرده است. به عنوان نمونه پس از گذشت سه ماه، حقوق یکی از کارگران جوان را پرداخت نکرده است. او حتی صریحاً گفته است که: «حقوقی نخواهم داد».

صاحب کارخانه کودکان را تهدید کرده است که چنانچه کمتر از سیصد روز کار کنند، هیچگونه حقوقی به آنها تعلق نخواهد گرفت.

از مسئولین امر می خواهیم که هر چه زود تر قوانین کارگری را در آن کارخانه به مورد اجرا بگذارند.

نامین کارگران شرکت ساختمانی مانا

با امضا: عده ای از کارکنان شرکت مانا

رهائی اردل، رهائی از ستم طبقاتی است

روستای اردل با جمعیت حدود ۵۰۰۰ نفر در ۹۵- کیلومتری مرکز استان (شهرکرد) قرار دارد. شغل اکثر اهالی کشاورزی است. این روستای تعدادی کارگری و کشاورزی است. اردل با اینکه از نظر جمعیت و وسعت نسبتا بزرگ است و به عنوان مرکز بخش به شمار می رود، ولی بسیار عقب افتاده و محروم از حداقل امکانات زندگی است. زلزله فروردین ۵۶ باعث خرابی و ویرانی های فراوانی گردید و مردم را از هستی ساقط کرد. از طرف دولت و مقامات طاغوتی نیز توجهی به وضع مردم این روستا و بازسازی ویرانیها و کمک به احیای کشاورزی نشد. این مردم ستم دیده و زحمتکش کمبودهای فراوانی دارند که لازم است مسئولین دولت و مقامات در جهت رفع نیازها و خواسته های حق آنها اقدام کنند. ما توجه مقامات مسئول و نهادهای انقلابی منطقه را به این مسائل و مشکلات جلب می کنیم.

جاده

باتوجه به کوهستانی و سردسیر بودن منطقه و بارندگی زیاد، مشکل عمده این روستا نبودن جاده سالم است. با اینکه اردل مرکز بخش است و اکثر اهالی روستاهای دور و نزدیک برای انجام کارهای خود به این روستا مراجعه می کنند، ولی در طول زمستان ارتباط آن بطور کامل، به خصوص با مراکز استان و شهرستانها، قطع می شود و مردم مجبورند احتیاجات اولیه زندگی خود را قبل از بارندگی و بند آمدن جاده به روستا بیاورند. برخی پیشه وران سود جو و واسطه ها و دلالان بی انصاف از این وضع سوء استفاده می کنند و با قیمت گزاف مواد مورد نیاز را به اهالی می فروشند. روشن است که در صورت طولانی بودن مدت بارندگی مردم بیشتر در مضیقه قرار می گیرند.

خدمات درمانی

این روستای ۵ هزار نفری در مانگامه خوبی ندارد. در اکثر موارد پزشک هم ندارد و در صورتی که دکتر هم باشد، مجبور است به صورت سباز عمل کند، به این معنی که می بایستی به روستاهای اطراف اردل برود و بیماران را در آنجا معالجه و مداوا کند. با توجه به نبودن جاده و مشکل رفت و آمد، در صورت شیوع بیماریهای خطرناک و اضطراری و زایمان، بیماران را برای رساندن به مراکز درمانی و شهرها، با تابوت و قاطر و الاغ و با احتیاط تراکتور حمل می کنند. در اکثر موارد در حین حمل و نقل از دست می روند، چون فاصله زیاد و سرما و یخبندان این عملیات را دچار مشکلات فراوان می کند و با غیرممکن می سازد. به همین جهت جاده سازی و از میان برداشتن مشکل جاده و ایجاد وسیله رفت و آمد، در رابطه با مسائل درمانی نیز یکی از خواسته های اساسی و مبرم اهالی اردل است.

آب آشامیدنی و کشاورزی

آب لوله کشی در این روستای پر جمعیت وجود ندارد و مردم برای آب آشامیدنی در مضیقه اند. این روستا در دامنه کوه های بختیاری (رشته زاگرس) که از برآب ترین مناطق کشورمان است، قرار دارد و در صورت برنامه ریزی می توان به آسانی آب مورد نیاز مردم را تا زمین کرد. آب مصرفی اهالی اکنون از یک چاه، که دارای یک موتور فرسوده است تا زمین می شود، که برای مصرف خوراک خود و دامها و همچنین خانه سازی مورد استفاده قرار می گیرد. چند روز یک بار موتور خراب می شود و مردم را دچار ناراحتی می کند و مردم به ناچار آب را با الاغ از چشمه های اطراف می آورند. هکتارها زمین قابل کشت در اطراف اردل وجود دارد که، به صورت دسم کاشته می شوند. فعلا امکان کشت آبی نیست و خود اهالی نیز امکانات فنی و مالی برای رفع کمبود آب ندارند.

مشکلات تولید

فتووال این روستا شروع کرده بود به فروش زمینها، ولی این عمل با مقاومت بیکارچه دهقانان زحمتکش این روستا و برپوشد کشاورزان مانع از انجام کارش شدند. فتووال زانو صفت، که یکی از بستگان نزدیک شاپور بختیاری، ننگ پرورده امیرالسلطنه است، نمی خواست سنگر ضد انقلابی و ضد مردمی خود را رها کند، اما اتحاد مردم، با کمک سپاه پاسداران شهر کرد، مسئولیت بردارن او را بر عهده گرفت. در این روستا عده ای خوش نشین وجود دارد، که به صورت کارگران ساختمانی به شهرها محصور شده شهر کرد و بروجین می روند و در فصل زمستان اکثر بیکار هستند. تعدادی از جوانان نیز هر ساله برای کارمندی می روند و از این طریق امرار معاش می کنند. دهقانان و خوش نشین ها از طرح انقلابی استاد رضا اصفهانی خوشحالند و منتظر اصلاحات ارضی واقعی به سود دهقانان بی زمین و کم زمین هستند. حضور و عمل فوری هیئت ۷ نفری و پایان دادن به مسئله مالکیت فتووالی خواست مبرم دهقانان است. دهقانان از داشتن وسائل کشاورزی مانند تراکتور کود، بذر، سمپاشی و غیره محرومند و احتیاج به توجه دارند. همچنین تعدادی از اهالی به کار دامداری مشغولند، که آنها نیز از نظر دامپروری و دارو و علوفه در مضیقه هستند. در مرکز بزرگی مثل اردل میتوان با ایجاد "مرکز خدمات کشاورزی"، که با وسایل فنی و کادربهای وارد مجهز باشد، اینگونه مسائل را حل کرد.

دهقانان آگاه و سازز، که سابقه درخشانی در رویارویی با فتووال و دسیسمهای او دارند، با تشکیل اتحادیه دهقانی و تنظیم خواسته های خود و مبارزه متحد با کمک نهادهای انقلابی، همانطور که همراهمان سپاه پاسداران دهان مالک زورگو را بستند، می توانند به حقوق حقه خویش دست یابند.

به ندای حق طلبانه دهقانان قائم شهر پاسخ مثبت دهید

اعلامیه زیر توسط چندین شورای روستایی و نمایندگان دهقانان تهیدست روستاهای قائم شهر تهیه و تکثیر گردید، که در آن ندای حق طلبانه آنان برای پاکسازی جدی عوامل طاغوت در دستگاههای اداری منعکس گردیده است. این اعلامیه به سبب اهمیت آن عینا درج می گردد.

"یک سال و نیم از انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ستم کشیده ایران می گذرد. اما طاغوتیان - ساواکی ها، عوامل سرسپرده به رژیم مغفوری پهلوی، فتووالهای خونخوار و سرمایه داران غارتگر و عوامل آنها - با یاری سازشکاران و مسامحه کاران، به پای پایمال کردن خون هفتاد هزار شهید و کمند هزار زخمی انقلاب خونین مردم محروم ایران، اهرمهای ادارات و بسیاری نهادها را قفسه کرده اند. اینها با هزار شیوه و ترفند می کوشند که در مقابل هر قانون انقلابی از جمله اجرای قانون اصلاحات ارضی مصوبه چندین ماه پیش شورای انقلاب سد و مانع ایجاد نمایند.

در قائم شهر نیز فتووالهای خونخوار شیرجهان ماد دهقانان تهیدست را می مکند و هر روز توطئه می آفریند و سرمایه داران غارتگر نیز از هر طریق و از جمله گرانفروشی ما را از چنان چپاول می کنند، که بر معنی برای ما بهمان نمانده است. بسیاری از ساواکی ها و سرسپردگان به رژیم منحوس پهلوی در پست خود باقی مانده اند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قائم شهر، که از مشاهده ستمگرها و چپاولگرهای عده های مفتخور و مسامحه مسئولان نهادهای انقلاب در قبال آنان به جان آمده اند، طی اعلامیه ای به درستی فریاد گر دردهای عمیق مانده، که در آن از جمله آمده است:

((سرمایه داران و فتووالها و... هوزگماکان به یکدیگر خون مردم مظلوم ما شغولند...)) و با ریشه یابی صحیح درد، در جستجوی راه چاره ظاهر داشته اند که ((جامعه انقلابی محتاج به نهادها و ارگانهائی است، که اسلامی و انقلابی عمل کنند و مصالح قوم و خویش و گروهی را بر مصالح انقلاب ترجیح ندهند.))

در این جهت وجود حاکم شرعی را در دادگاه انقلاب اسلامی قائم شهر لازم می دانند که ((عادلانه فتووالها را از یکدیگر خون مردم محروم بازگیرد و سرمایه داران را بر جای خود بنشاند)) - امداوریم که دادگاه انقلاب اسلامی قائم شهر، این بار نتواند به ستمی که سالها دراز و یک سال و نیم پس از انقلاب از دست ستمگران و چپاولگران و ایادی آنان بر ما رفته است، پایان دهد. امضا کنندگان این اعلامیه عبارتند از:

- ۱- اعضای شورای دهقانان تهیدست کارتیج - کلای کبکلا.
 - ۲- نمایندگان دهقانان تپی دست سوخت - آندان کیا کلا.
 - ۳- نمایندگان دهقانان تپی دست وازبمال و سیدمحل - کبکلا.
 - ۴- شورای دهقانان تهیدست بخارکلای کبکلا.
 - ۵- شورای دهقانان تهیدست آزاد محل (پاس دست) کیا کلا.
 - ۶- شورای دهقانان مالا دست - کبکلا.
 - ۷- شورای دهقانان تهیدست تنلای کبکلا.
- لازم است که با سر خوردی قاطع و انقلابی با عناصر سرسپرده و با سازره جدی علیه بزرگ مالکی و فتووالیسم، از طریق اجرای قانون و اگذاری زمین به نفع دهقانان تهیدست، به ندای حق طلبانه دهقانان تهیدست پاسخی شایسته داده شود.

بجی کاران (دیم کاران) رودخانه مند

رودخانه مند، در مسیر جاده بوشهر کنکان از نزدیکهای روستای گاگی می گذرد. طبیان زمستانی رودخانه، که با هر بارندگی مقداری رسوبات و گل و لای به همراه دارد، موجب بوجود آمدن زمینهای مرغوبی در حاشیه رودخانه جهت کشت جالبی دیمی می گردد. این زمین های حاصلخیز در تمام طول مسیر، از کوهپایه ها تا حاشیه دریا، در دو طرف رودخانه کشیده شده اند. روستائیان از نیمه اسفند ماه، با کشت خریزه و هند وانه، بهره برداری از این زمینها را آغاز می کنند. عمر بهره برداری از این زمینها در طول سال فقط ۴ ماه است و در بقیه سال هیچگونه استفاده ای جهت کشت و کار نمی شود.

عده ای از روستائیان علت این عدم استفاده از زمینها را شور شدن آب رودخانه می دانند. مالکیت این زمینها در حوالی نازی، حسین - زابری، باغی، دهنالو و چقاوور بیشتر به صورت خرده مالکی بوده و بیشتر روستائیان تا حدود ۲ (۶۰- کیلو) زیر کشت برده اند. روستائیان می گویند که در حوالی کوهپایه ها، که زمینهای مرغوبتر و حاصلخیزتری دارد، مالکیت زمینها مشخصا خرده مالکی نیست و حتی بعضی از زمینداران هستند که تا حدود ۲۰ من زیر کشت برده اند. یکی از روستائیان حسین زابری می گفت:

"من از این زمینی که می بینید در آن مشغول به کار هستم، دو به سه سهم می برم. یک سهم برای مالک و دو سهم برای بازیار. کاشتن تخم، نگهداری از محصول و برداشت آن به عهده بازیار بوده و تنها مالکیت زمین به نام مالک است. در جواب این سؤال که گفت: درآمد شما چقدر است، گفت: "حدود ۳ تا ۴ ماه، حدود ۵ هزار تومان در آمد دارم، ولی بقیه سال عملا بیکارم و راهی بوشهر و اطراف برای پیدا کردن کاری می شوم. که متاسفانه

روستائیان زحمتکش کردستان: خواستار قطع ریشه های بزرگ مالکی و برخورداری از امکانات هستند



بعناز سالها رنج و ستم فتووالی، اکنون به آینده می اندیشد. امتیته، زمین و آزادی حق هر روستای کافی میران - منطبقمگور - مهباد دهقان است.

کافی، محمول آن چنان که باید بدست نیامد. خانواده های بی زمین روستای کافی میران اغلب به منظور امرار معاش، از ابتدای اردیبهشت تا اواخر آبان ماه، را در کوره های آجربری تریز، ارومیه مهباد می گذرانند. بعضی از این خانواده ها در دو سال اخیر روستا را برای همیشه ترک کرده و برای کارهای ساختمانی به شهر روی آورده اند. کافی میران فاقد آب، برق، خانه، بهداشت و دیگر امکانات است. روستائیان به هنگام بیماری باید به روستای کوچیکه دره (در ۲۰ کیلومتری کافی میران) و با مهباد بروند. کاک رسول، یکی از اهالی کافی میران، در خصوص مشکلات می گوید:

"... تصمیم گرفتیم که با خانواده ام ده را برای همیشه به قصد شهر ترک کنیم. می خواهم در شهر با کار در شرکت ساختمانی زندگی خود و خانواده ام را تا زمین کنیم. حتی یک وجب زمین ندارم و تمام هستی و دارائیم چند را بر گوسفند است. امسال به دلیل فقدان امکانات درمانی در کافی میران ۵۰ را گوسفند تلف شد."

مام احمد، یکی دیگر از اهالی به تقسیم زمین و وعده های دولت در این مورد اشاره می کند: "... ما گفته اند که پس از استقرار صلح و آرامش در کردستان، مسئله زمین حل خواهد شد و ما هم فعلا صبر کرده ایم."

حل مسئله زمین و رهنمون کردن سباز بزرگ مالکی، که پایگاه ضد انقلاب است، در همه جای ایران بسیار حاد و مرم است. ولی به علت شرایط خاص منطقه و اثرات فوری و مستقیمی که حل شدن یا نشدن آن روی سرنوشت انقلاب و جلب یا طرد توده های زحمتکش دارد، میتوان گفت که در این - کوه مناطق حدت آن بیش از سایر نقاط است و باید هرچه زودتر هیئت های ۷ نفره کار را تمام کنند. ادا موضع کوشی موجب نارضایتی و بی اعتمادی دهقانان و خشودی دشمنان انقلاب خواهد شد.

روستائیان زحمتکش این منطقه حق خواستار اجرای سریع و فوری قانون اصلاحات ارضی مصوبه شورای انقلاب و آشنانها اجرای آن و نیز برخورداری از وسائل و امکانات تولیدی نظیر آلات و ابزار کشاورزی و کود و بذر و سوخت نیز امکانات زندگی انسانی هستند. آنان مشتاقانه می خواهند همچون دیگر زحمتکش کنورمان در تعمیق و گسترش انقلاب نقش حریجه فعالتر را ایفا کنند. مسئولان امور باید با سرعت در تحقق خواست ها شان به این اشتیاق و آرزوی آنان پاسخی بسراوشاسته دهند.

"تصمیم گرفته ام برای همیشه ده را ترک کنم. چون حتی یک وجب زمین ندارم. ما گفته اند که پس از استقرار صلح در کردستان مسئله زمین حل خواهد شد."

منطقه منگور، یکی از مناطق واقع در مهباد است. فقر و فلاکت و تنگدستی در روستاهای این منطقه بنیاد می کند. روستائیان، در رژیم مصلحت پهلوی تحت ستم و اذیت و آزار شدید بزرگ مالکان و زانداران مهاجر قرار داشتند. بدین علت اهالی سالیان متعادی در جنبش براندازی آن رژیم مغفور و کسب حقوق حقه خود شرکت فعال داشتند.

روستائیان منگور در به ثمر رساندن انقلاب شکوهمند ایران سهم سزائی داشتند و اکنون به حق انتظار دارند که پس از انقلاب، نظام ظالمانه و جارانه بزرگ مالکی، این پایگاه داخلی امیرالسلطنه در روستاها بر چیده شود و زمین و آزادی همراه با امنیت و زندگی انسانی به آنها داده شود.

یکی از زمین روستاها، روستای کافی میران است. در این روستا ۲۰ خانوار سکونت دارند و جمعیت آن ۱۵۰ نفر است. این روستا در ۵۰ کیلومتری جنوب شرقی مهباد واقع است. از ۲۰ خانوار ساکن ده، ۹ نفری تحت مالکیت دو خانوار به ۲۰۰ هکتار می رسد و دو خانوار دیگر نیز اراضی نسبتا وسیعی دارند، ۹ خانوار صاحب زمین هایی به وسعت بین ۵ تا ۵۰ هکتار هستند. ۷ خانوار هم بی زمین هستند. زمین های این منطقه بطور کلی دیمی است و امسال علت کمبود بارندگی و محاصره اقتصادی و نبودن سوخت

یا وجود کمبود وسائل تولید، صنایع تراکتور باعث فقدان سوخت و خرابی، در گوشه های متروک افتاده اند

فعلات شرکت های بوشهر هم تعطیل شده و ما اگر بتوانیم کارگیر بیوریم، عملگی است."

او ادامه می دهد: "البته امسال مقداری هم گندم کاشته ام، که باز خدا را شکر، قدری کمک خرج از این راه بدست می آورم." روستائیان از بیکاری رنج می برند و خواهان ایجاد کار در منطقه هستند. آنها می گویند:

"هیچ معلوم نیست اگر این چند ماه بجی کاری فصلی هم نباشد، ما باید از کجا تا زمین بشویم." آبادرآمد سائبانه حدود ۵ هزار تومان میتوان کفاف هزینه سنگین و کمر شکن فعلی یک خانوار ۵ تا ۶ نفری را دهد؟

با بدبختی و آوار شدن که محمول بجی کاری در خرداد ماه عمل می آید و فروش محصول تا اواخر تیر ماه ادامه دارد. سلف خرما خریزه های این منطقه را کلیوشی ۱۰ تا ۱۵ ریال از روستائیان می خرید و آن را در شهری قیمت کلیوشی ۲۵ تا ۳۵ ریال به فروش می رساند. باید گفت که روستائیان اطراف رودخانه مند، سستترین خریزه استان بوشهر را در این یکی دو ماه تا زمین می کنند.

تعطیل شرکت های ساختمانی در بوشهر از یک طرف، و کوتاه شدن دست مامورین فاسد دولتی از طرف دیگر، باعث شد که میزان محمول بجی کاری این منطقه به مقدار قابل توجهی بالا رود. حالا ایجاد تعاونی های توزیع، برای خرید عادلانه محصول از دهقانان و قطع دست سلف خرما و واسطه ها مسئله حادی شده است که به تعدیل قیمتها برای مصرف کننده شهری نیز کمک می کند.

تولید کننده های محلی

وایکده های سازندگان محلی

والر ایدلسوز جهاد سازندگی

مستولان دولتی کمک کنید

تالان اصلاحات ارضی

سرماز سوزشها اثر خوبی

خط امام...

سخن امام خمینی در دیدار با نخست‌وزیر و وزیران و پیام امام خمینی به زائران بیت‌الله الحرام، در شرایط فوق‌العاده حساس کنونی، دارای اهمیت بسیار است. اهمیت آن بویژه در اینجاست که باردیگر با وضوح تمام، خط امام را در برابر چشم همگان قرار میدهد. خط امام را از زبان امام خمینی باردیگر با هم ببینیم:

انقلاب مستضعفان برای استقلال و آزادی

«این آزادی و این استتالی که الان ما داریم و کسی نمیتواند دخالت کند در کشور ما، این را چه کسی به ما داده، جز این بود که این پاره‌ها، این زانگه‌نشینان، این دانشگاهی‌های محروم و این مردم کوچک و بازار باهم جمع شدند و برای خدا قیام کردند و نهضت کردند و ما را به این آزادی رساندند و آنست که های بزرگی که در تصور کسی نمی‌آمد که شکست شود، شکستند و ما را با اینجا رساندند»

(از سخنان امام خمینی در ملاقات با نخست‌وزیر و وزیران، پنجشنبه، ۲۰ شهریور ۱۳۵۹)
خط امام، انقلاب طاغوت‌شکن ایران را، انقلاب کورخ‌نشینان، انقلاب پاره‌ها، زانگه‌نشینان، جوانان محروم و انقلاب مردم زحمتکش میدانند که هدفش استقلال و آزادی کشور بوده است. استقلال یعنی رهایی از هرگونه نفوذ و سلطه استعمار در تمام شئون زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی، و آزادی یعنی دفع دیکتاتوری، که بگفته امام خمینی «دیکتاتوری در اسلام بزرگترین گناه است».

این استقلال و آزادی برای توسعه‌ی کشور بود مستضعفان است، که حکومت جمهوری اسلامی ایران مؤلف به انجام آنست.

نوسازی کشور پسود مستضعفان

«طریق اسلامی اینستکه مستضعفان را حمایت کنند، بیشتر توجه‌شان به آنها باشد. در طول تاریخ حمایت حکومتها از قدرتها بوده است. شما هر حکومتی را که در این دو هزار و پانصد سال دوران ظلمت در نظر بگیرید، هر حکومتی هرچه عادل بوده، هرچه جنت‌مکان بوده همرا در نظر بگیرید... پیدا نمیکند یک حکومتی که برای مستضعفان باشد، برای این کوچ و بازاریها باشد، برای این پاره‌ها باشد، هرچه بودند برای ملکه‌دارها و برای قدرت‌دارها، برای سر-مایه‌دارها، برای روسا و خانها، هرچه بود برای آنها بود»

(از سخنان امام خمینی در ملاقات با نخست‌وزیر و وزیران، پنجشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۵۹)

خط امام جمهوری اسلامی ایران را جمهوری مستضعفان میدانند، حکومتی میدانند که برای مستضعفان باشد، نه برای سرمایه‌دارها، ملکه‌دارها و خانها. خط امام خط لئو سرمایه‌داری بزرگ و ایسته، ملی کردن بانکها، صنایع بزرگ، منابع طبیعی کشور، ملی کردن بازرگانی خارجی، لئو فودالیسم و بزرگ‌مالکی، تقسیم اراضی زراعی بین دهقانان زحمتکش، ایجاد تعاونیهای تولیدی و مصرفی با شرکت زحمتکشان - همه اینها اقداماتی است که میتواند نظام اقتصادی-اجتماعی کشور را پسود زحمتکشان دگرگون کند. خط امام خط مستضعفان برضد استعمار، استکبار و استثمار است.

آمریکا دشمن اصلی

«مهمترین و دردآورترین مسئله‌ای که ملت‌های اسلامی و غیراسلامی کشورهای تحت سلطه با آن مواجه است، موضوع آمریکا است. دولت آمریکا به عنوان قدرتمندترین کشور جهان برای هرچه بیشتر بلعیدن ذخائر مادی کشورهای تحت سلطه از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند»

آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف

جهان است. آمریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه از هیچ جنایتی خودداری نمی‌نماید. او مردم مظلوم جهان را با تبلیغات وسیع، که بسوسله سمیونیس بین‌المللی سازماندهی می‌کند، استثمار می‌نماید. او با ایدی‌مروموز و جنایتکاریش چنان خون مردم بی‌گناه را می‌کشد، که گویی هیچکس جز او و اقمارش حق حیات ندارد...»

(از پیام امام خمینی به زائرین بیت‌الله الحرام، ۲۱ شهریور ۱۳۵۹)

خط امام امپریالیسم آمریکا را دشمن شماره یک خلق ایران، و همه دیگر خلقهای مسلمان و غیرمسلمان جهان میدانند. امپریالیسم آمریکا شیطان بزرگ است که با «جوجه شیطان‌پاشی» خلقها را بر زیر سیطره و سلطه جنمی خود میکشد، برای چپاول منابع دیگر کشورهای و غارت دسترنج زحمتکشان همه کشورهای زیر سلطه از ارتکاب هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کند.

خط امام، خط مبارزه آشتی‌ناپذیر با امپریالیسم آمریکا و عمال آن، چه در ایران، چه در منطقه، چه در جهان، چه در کشورهای اسلامی، چه در کشورهای غیراسلامی است. سمت اصلی مبارزه باید بر ضد امپریالیسم آمریکا باشد. هر کس، بهر عنوان و بهانه‌ای، دانسته یا ندانسته، بخواهد سمت اصلی مبارزه را از مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و همدستانش منحرف کند، از خط امام منحرف شده است.

انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از جانب آمریکا مورد تهدید و خطر واقعی است. آمریکا تمام نیروی خود و جوجه شیطان‌پاشی را بیکار گرفته تا انقلاب ایران بشکند و جمهوری اسلامی ایران را واژگون سازد. آمریکا در همین مدت کوتاه یکسال و نیمی که از پیروزی انقلاب و تأسیس جمهوری اسلامی ایران گذشته، همه گونه تلاش از بزم برداری از سازشکاری بورژوازی لیبرال ایران جهت تکمیل دولت بازرگان گرفته، تا تهاج مبتیم نظامی و سازماندهی کودتای نظامی، بیکار برده تا ایران از دست‌نادره بازار پس‌گیرد. شورش‌های موضعی ضدانقلابی (تبریز، توسط حزب خلق مسلمان)، افسروختن آتش جنگ برادرکنی (کردستان)، تخریب و ترکاندن بمب و خرم‌سوزی (در سطح کشور)، تلاش برای دامن‌زدن به اختلافات ملی یا مذهبی، ترور شخصیت‌های انقلابی، شایعه‌سازی و تبلیغات ضدانقلابی در داخل و از خارج، سازماندهی ضدانقلاب در داخل و خارج کشور تحریم اقتصادی، تهدید دائمی به تهاج نظامی و تدارک همواره وسیعتر این تهاج و... کوشش مداوم برای سنج انقلاب ایران و راندن آن در راه سازشکاری و بدین‌وسیله زمینه‌سازی برای ضدانقلاب «خزنده»... آری، طبقه‌میلیت‌متنوع و رنگارنگ آمریکا برای درهم شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وسیع است.

خطر آمریکا گذرا نیست. درازمدت است. این خطر، بگفته امام خمینی، میتواند تا ۵۰ سال دیگر هم باشد. ایران، چه از لحاظ منابع ثروت‌عظیمی که امپریالیسم بسرکردگی آمریکا غارت می‌کند و چه از نظر موقعیت استراتژیک آن، چیزی نیست که از دست دادن آن برای آمریکای چپ‌انگوار قابل تحمل باشد.

خطر این بزرگترین و هادترین دولت سلطه‌جوی جهان، همواره ما را تهدید میکند، و بنابراین، حکومت جمهوری اسلامی ایران، تمام دولتمداران و مسئولان، همه احزاب سیاسی و قادار به انقلاب و همه نیروها و گروهها و افراد انقلابی لحظه‌ای نباید کترین نظوری درهتباری خود نسبت به خطر آمریکا راه دهند، بهیچ عنوان نباید توجه دائمی خود را از آمریکا بازگیرند

و بجای دیگری معلوم دارند. وحدت کلمه

خط امام وحدت کلمه، اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی را از هر گروه و مسلک، راه همواره شرط ضروری، چه برای کسب پیروزی در مبارزه علیه شیطان بزرگ، و تأمین و تحکیم استقلال کشور و چه برای نوسازی کشور پسود مستضعفان دانسته است.

اگر «هدیگر را بگویند، بهم توخت بزنند، بهم اقرا بزنند، آخر این اصفاف است؟ یش خدا چه خواهد شد. این یش ملت چه انعکاسی دارد، خارجیا چه استفاده میکنند؟ آنها همه دشمنان مملکت غافل بشید و آنها یک وقتی ضربه خوششان را بزنند»

(از سخنان امام خمینی در ملاقات با نخست‌وزیر و وزیران، ۲۰ شهریور ۱۳۵۹)

خط امام میگوید که تفرقه، اختلاف به مرگ انقلاب منتهی میشود و وحدت کلمه، اتحاد عمل نیرو-هائی که سادقانه به انقلاب وفادارند، ضامن پیروزی انقلاب، تثبیت، تحکیم و رشد مستقل و همه جانبه جمهوری اسلامی ایران پسود مستضعفان و زحمتکشان است.

وحدت کلمه، اتحاد عمل نیروهای انقلابی، همبستگی و بیوستگی انقلابی خلق بر مبنای اصول مبارزه برگیر با امپریالیسم چپ‌انگوار آمریکا، تثبیت و تقویت استقلال واقعی و همه‌جانبه کشور، حفظ آزادیهای فردی و اجتماعی، نوسازی همه‌جانبه کشور پسود زحمتکشان و محرومان - وسیله شکست‌ناپذیر پیروزی، ضامن مطمئن پایداری و رشد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

انتقاد صحیح

خط امام مخالف با بدگویی و افترازی است که موافق با انتقاد سالم و سازنده است.

«به همه آقایان میگویم یا هم جنگ نکنید، روزنامه‌ها را بر نکند درباره بدگویی از هم. انتقاد غیر از انتقامجویی است. انتقاد صحیح باید بشود. هر کس از هر کس میتواند انتقاد صحیح بکند اما اگر قلم که دستش گرفت انتقاد کند، برای انتقامجویی (بشد) همان قلم شیطان است»

(از سخنان امام در ملاقات با نخست‌وزیر و وزیران، ۲۰ شهریور ۱۳۵۹)

انتقاد اصولی، سالم، بی‌غرضانه، خالی از حب و بغض نسبت به این و آن، انتقاد راهگشا، سازنده، علمی، انتقادی که هدفش رشد و تمیق انقلاب استقلال‌طلبانه و آزادیبخش، پیشبرد امر نوسازی کشور پسود محرومان و زحمتکشان، انتقاد همراه با پیشنهاد رفع عیب یا نفس کار، انتقادی است نه فقط منفی، بلکه ضروری. میدان عمل چنین انتقادی در جمهوری اسلامی ایران باید همواره باز باشد و همواره مصون از هرگونه «خود-سانسور» رشد کند، زیرا که وسیله مؤثر پیشرفت، حفاظی مؤثر در برابر غلط‌کاریها است.

دو اسلام

خط امام اسلام راستین را از «اسلام آمریکانه» تمکیک میکند.

«... آری اسلام ایران غیر از اسلام آنان است که از مهرهای آمریکا چون سادات و بگین پشتیبانی میکنند و در مقابل فرمان خدای متعال با دشمنان اسلام دست دوستی می‌دهند و برای تفرقه بین‌مسلمین از هیچ اقرا و کوششی دریغ نمیکنند»

(از پیام امام خمینی به زائرین بیت‌الله الحرام، ۲۱ شهریور ۱۳۵۹)
آری، اسلامی که دست در دست آمریکا دارد اسلام آمریکائی است. اسلام راستین که امام خمینی بزرگ آنرا افراشته نگاه میدارد، اسلام مستضعفین، اسلام طرفدار عدل و رهایی از هرگونه ستم، اسلام ضد امپریالیسم، ضد استعمار، ضد استکبار، ضد استبداد و ضد استثمار است.

خط امام از موضع شناخت امپریالیسم آمریکا بنیابه شیطان بزرگ، دشمن اصلی خلق ما و همه دیگر خلقهای جهان، دشمنی توطئه‌گر، خدعه‌گر، غدار، جنایتکار، چپاولگر و حریص در چپاول، به حوادث و مسائل مینگرد، از جمله به حادثه جنگ فرسایشی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، و یا ستمه «دگروگان‌های آمریکائی»

دست آمریکا از آستین عراق

«بداند که ما با عراق جنگی نداریم و مردم عراق پشتیبان انقلاب اسلامی ما هستند ما با آمریکا ترستیزیم و امروز دست آمریکا از آستین دولت عراق بیرون آمده است و به امید خدا این سبزی (با آمریکا) تا استقلال واقعی ادامه دارد»

(از پیام امام خمینی به زائرین بیت‌الله الحرام، ۲۱ شهریور ۱۳۵۹)

نظر امام خمینی که انعکاس واقعیت است، صریح و روشن بیان شده است. این دست آمریکا است که از آستین عراق بیرون آمده، و ما در بیکار برای حفظ تمامیت ارضی کشور و حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، با عامل امپریالیسم آمریکا - رژیم بعثی ریاست صدام حسین - درگیر شده‌ایم. هر کس بخواهد از تجاوزهای عراق علیه ایران تعبیر دیگری اختراع کند و شریک جرم موهومی برای آمریکا برآورد، حقیقتاً پسود تحقیرستیز جوی برضد آمریکا و سزیه بعثی‌عراقیش، تحریف کرده است.

«دیران که خواست است از هر جهت با این شیطان بزرگ قطع رابطه کند امروز گرفتار این جنگهای تحمیلی است. آمریکا عراق را وادار نموده است خون جوانان ما را بریزد. او سایر کشورهای اقتصادی از بی در آورند...»

(از پیام امام خمینی به زائرین بیت‌الله الحرام، ۲۱ شهریور ۱۳۵۹)

«دگروگن‌گیری» - عکس‌العمل طبیعی

«بارها گفته‌ام که دگروگن‌گیری توسط دات‌تجویان مسلمان و مبارز و متعهد، عکس‌العمل طبیعی صدماتی است که ملت ما از آمریکا خورده است و این فعلا با بازمی‌دادن اموال شاه محروم و لئو تمام انتعاشی آمریکا علیه ایران و ضمات به عدم دخالت سیاسی و نظامی آمریکا در ایران و آزاد گذاشتن تمامی سرمایه‌های ما، آزاد میگردند که البته این امر را محول به مجلس نموده‌ام تا آنان برهنه‌سوک صلاح می-دانند عمل نمایند...»

(از پیام امام خمینی به زائرین بیت‌الله الحرام، ۲۱ شهریور ۱۳۵۹)

مسئله «دگروگانها»، طبق نظر امام خمینی، باید حل شود و ارائه هر نوع راه حل دیگری بی‌برغوانی که ارائه گردد، درواقع پایه‌گذاری مناسبات مجدد نا برابری با آمریکا بر مبنای رابطه نظامی یا مظلوم است. دولت آمریکا تنها بر مبنای برابری کامل حقوق، احترام بر خدشه به حق حاکمیت و عدم مداخله دزاور داخلی ایران میتواند با جمهوری اسلامی ایران مناسبات داشته باشد.

چنین است خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران!

اوضاع رشت متشنج است، ما هشدار میدهیم

خرابکاری گروهکهای مائوئیستی - آمریکایی و عناصر راست افراطی در رشت جو متشنج و نگران‌کننده‌ای در این شهر بوجود آورده است.

بر اساس اطلاعات رسیده، کوشش عوامل وابسته به امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، و ارتجاع داخلی برای به آشوب کشاندن شهر رشت، این روزها بالا گرفته و با کمال تأسف زمینه‌ساعدی برای ایجاد دگرگیری در این شهر بوجود آمده است.

این عناصر مشکوک از یکسو زیر نقاب اسلام مردم را علیه نیروهای انقلابی و صدیق، از مسلمانان مترقی بیرو خط امام گرفته تا هواداران راستین سوسیالیسم علمی، تحریک می‌کنند، و از سوی دیگر زیر شعارهای چپ‌نمایانه، به دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران حمله می‌برند. بعضی از مسئولین دولتی و روحانیون شهر رشت نیز، بدون توجه به حساسیت اوضاع مملکت، متأسفانه در دام این عناصر مشکوک، که هیچ هدفی جز کل‌آلود کردن آب ندارند، افتادند و به جای آنکه نیروی خود را صرف مبارزه با این پسرماندهای رژیم منحل

پهلوی کنند، در مقابل یکدیگر موضع گرفته‌اند. چنین موضع‌گیری ناصحیحی، که طبعاً بیش از هر کس به نفع دشمنان انقلاب ایران تمام می‌شود، جو ناساعد و ناآرامی در شهر رشت بوجود آورده است. مردم از دگرگیری‌های هر روزه خسته شده‌اند و انتظار دارند که مسئولین و مقامات دولتی و همچنین روحانیون مبارز به جای راهبیمانی علیه یکدیگر و علیه نیروهای مترقی، به انجام اقدامات قاطع در زمینه قطع دست‌آیادی امپریالیسم آمریکا و مبارزه با مشکلات گوناگون، از جمله بیکاری و گران‌ی بی‌درازدند.

ما ضمن دادن هشدار به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران، تأکید می‌کنیم که دشمن در سراسر کشور به کین انقلاب ایران نشسته است. تنها با اتحاد و مبارزه قاطع است که می‌توان با این دشمن خبیله‌گر مبارزه و در نتیجه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را تحکیم کرد.

ما امیدواریم که این هشدار ما مورد توجه جدی مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران و همه نیروهای انقلابی راستین قرار گیرد.

شوخی نیست...!

سئوال بجا

آقای دکتر یزدی دمورد کودتای آمریکائی در ترکیه، طی سرمقاله‌ای در روزنامه کیهان (۵۹/۹/۲۲) بلافاصله واکنش کرده‌اند، که کاری است درست و بجا.

ولی مردم هم یک سئوال درست و بجا دارند: چرا آقای دکتر یزدی درباره کودتای آمریکائی نافرجام ۱۸ تیر مامرد ایران واکنش نکرده‌اند؟!

علت اعتصاب در لهستان

علت اعتصاب کارگران لهستان، تجاوز شوروی به افغانستان است!

(ادموند ماسکی وزیر امور خارجه آمریکا، رادیو، ۲۰ شهریور ۵۹)

مرگ بر امپریالیسم جهانخواه آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان

بشركت نامه مردم، وارگانهای احزاب کمونیست و کارگری جهان: جشن سی و پنجمین سال انتشار ارگان حزب کمونیست اطریش بر گزار شد

توده‌های ما در این جشن فعالانه شرکت کردند و حقایق انقلاب ایران را به اطلاع مردم اطریش رساندند.

خلق ایران به رهبری امام خمینی و «ارگان انقلابی دفاع کنیم، آمریکا باز هم درصدد تهاجم نظامی به ایران است».

در مقابل در ورودی غرفه نامه «مردم»، عکس‌هایی از امام خمینی و پوسته‌های ضد آمریکائی نصب شده بود.

هزاران نفر از دهها هزار نفری که در این جشن بزرگ شرکت کرده بودند، از نمایشگاه عکس غرفه نامه «مردم» دیدن کردند. در این نمایشگاه با کمک تصاویری رنگی، مراحل مختلف انقلاب ایران، از تظاهرات خیابانی توده‌های میلیونی، کشتار در خیابان شاه سابق، تیربار توده‌های صلحانه روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن، برای باز دید کنندگان باز آفرینی شده بود. در کنار هر یک از تابلوها، یکی از رفقای توده‌ای به

جشن سی و پنجمین سالگرد روزنامه «صدای خلق» ارگان حزب کمونیست اطریش، با شرکت احزاب کمونیست و نیروهای مترقی جهان در این جشن، که روزهای نهم و دهم شهریور ماه، در یازک جنگل بزرگی در نزدیکی وین بر پا شد، نمایندگان نامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، نیز شرکت داشتند.

عکس‌هایی از زندگی طاغوت و سر- مایه‌داران دیده میشد، که بر بالای نوشته دیده میشد:

«تمدن بزرگ برای کاخ نشینها» رفقای توده‌ای در نمایشگاه عکس حقایق انقلاب ایران را به اطلاع مردم می‌رسانند و از حقایق آن دفاع میکنند و همچنین نشانه‌های امپریالیسم آمریکا را برای سر- نگونی آن فاش می‌سازند.

رفقای دیگر توده‌ای، در محوطه وسیع نمایشگاه، تشریح ماهانه سازمان حزب توده ایران در اطریش را، که «اخبار درباره انقلاب ایران» نام دارد و به زبان آلمانی منتشر میشود، در میان مردم پخش می- کردند. آنها در حالیکه روی پیراهن‌هایشان آرم حزب توده ایران نقش بسته بود، به سؤالات مردم



غرفه نامه «مردم»: یک رفیق توده‌ای با پیراهن مزین به آرم حزب توده ایران، تشریح «اخبار درباره انقلاب ایران» را، که عکس از امام خمینی بر صفحه اول آن چاپ شده، در میان مردم پخش می‌کند. در پشت سر او، رفقای دیگر در نمایشگاه عکس درباره انقلاب ایران به مردم اطریش اطلاعات می‌دهند.

آیا نمیدانند؟!

از حزب توده و سازمان ییکارسه کامیون اعلامیه علیه انقلاب اسلامی بدست آمده، حزب توده و سازمان ییکار در ساختمان خیابان فخررازی، علیه انقلاب فعالیت سیاسی می‌کند...

آری، اینها محکمترین دلایل، هوسایی و توافق این دو گروه علیه حزب توده ایران است.

ولی آیا آنها که خود را هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و بیرو خط امام میدانند، بر پایه بودن این اتهامات، راه که بر واقع حتی طرح آنها تنها بسود اویسی‌ها و بختیارها و پالیزیان‌ها و اربابان تمام میشود، نمیدانند؟

آیا نمی‌دانند که نامه «مردم» یا کمک اعضای حزب، و به دشواری با دست و پنجه نرم کردن با مشکلات زیاد، منتشر میشود؟

آیا نمی‌دانند که حزب توده ایران خانه تیمی ندارد؟

آیا نمی‌دانند که حزب توده ایران با گروهای مائوئیستی- سدانقلابی ییکار همچو موشترکی نداشتند، ندارد و با هیچ تلاشی نیز نمی‌توان وجه مشترکی مابین آنها یافت؟

آیا نمی‌دانند که حزب توده ایران نه در حرف، بلکه در عمل و در کمال صداقت و با تمام نیروی خود از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و امام خمینی پشتیبانی میکند؟

اویسی‌ها و پالیزیانها و بختیارها و شیاع‌الحق‌ها و سدام‌ها دشمن انقلاب ایران اند و دشمن حزب توده ایران.

دشمن دشمن انقلاب ایران، نمیتواند دشمن انقلاب ایران باشد. این واقعیت ساده را هر کسی که کمترین حسن نیتی، کمترین انصافی داشته باشد، باید بداند و بپذیرد و تصدیق کند.

روی سخن ما با این نیروهاست. سدانقلاب، حزب توده ایران را در کنار مسلمانان صدیق پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و هوادار خط امام به رگبار دشمنی و اتهام و تهدید بسته است. همصدائی بسا سدانقلاب، جز کمک به تضعیف اتحاد نیروهای انقلاب و بالتجربه تقویت سدانقلاب نیست. بیست‌خند انقلاب درندمانی که یاکین و نفرت علیه حزب توده ایران سخن می‌گوید، از سازمان‌دین هر نوع هجومی علیه آن استقبال خواهد کرد.

از این مهلکه حذر کنیم.

دشمنان آن، مورد حملات کین توزانه قرار میدهند و به فاجدهای تهدیدی- کند، و دسته دیگری، که به هواداری از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و خط امام ظاهر می‌کند، حزب توده ایران را بدلیل «خیانت بسا جمهوری اسلامی ایران» و «کارت- شکی» علیه آن مهذب‌الذمه میدانند!

کدامیک درست می‌گویند؟

و ایندو نیرو، که ظاهراً خصم یکدیگرند، اینچنین علیه حزب توده ایران متحد و متوافقند؟

اگر حزب توده ایران از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و رهبر آن پشتیبانی می‌کند، چگونه می- تواند در همان حال به آن خیانت کند و آنرا تضعیف نماید؟

و اگر در کار جمهوری اسلامی ایران کارشکنی می‌کند و علیه آن توطئه و فعالیت می‌کند، چگونه ختم و کین اویسی و پالیزیان و بختیار برانیخته است، و توطئه گران ضد- انقلاب از اولین اقدامات خود، کشتار رهبران حزب توده ایران را تعیین کرده‌اند؟

بختیار و اویسی و پالیزیان و سدام‌حسین و شیاع‌الحق، برای ختم دیوانه‌وار خویش، دلایل متعددی دارند. آنها که ختم و کینشان موجب افتخار و دشمنی و اتهامشان سند حقایق حزب ما است، استدلال می‌کنند که:

«حزب توده از ابتدای روی کار آمدن رژیم خمینی از آن پشتیبانی کرد، باوجود آنکه «مارکسیسم» یا «اسلام» ضدیت دارد(!)، حزب توده به جمهوری اسلامی رای داد و در انتخابات مجلس خبرگان و در رفتارند قانون اساسی شرکت کرد»

حزب توده از دولت موقت، که خواهان روابط با آمریکا و برقراری نظام بود، انتقاد کرده باعکس عمل ترویجی، اشغال سفارت آمریکا را تأیید نموده، با وجود آنکه حزب توده انتقاد میکرد که حزب طبقه کارگر است، به کارگران گتت انتصاب نگند و به تصحیح و راه‌یمنی و غیره دست نزنند، با وجود آنکه حزب توده انتقاد میکرد که طرفدار حقوق خلقها است، در کردستان دست به اسلحه نبرد و در مقابل رژیم خمینی نایستاد و سرانجام هم کاری کرد که در حزب شکران و سازمان جریکا انتصاب شود(!)، حزب توده ساله حجاب را ساله غیرعده و فرعی خواند و سعی کرد که زنان آزاد بخوانند(!) را از تظاهرات و راه‌یمنی علیه رژیم خمینی بازدارد، حزب توده برای جلوگیری از ایجاد تشنج حتی میتینگهای خود را نیز به‌سالی یک میتینگ محدود کرد، حزب توده حتی زمانیکه روزنامه‌اش را بستند هم دست از پشتیبانی از رژیم خمینی نکشید.

اما همه اینها یکطرفه، «خیانت‌های» حزب توده در جریان عملیات اخیر یکطرفه، طبعی، ۱۸ تیر، صدها افسر در ارتش، «حزب خان‌روا بسته توده» در کشف این نیروها به جمهوری اسلامی کمک کرد و...

اما گروه دیگری، برخلاف اویسی‌ها، پالیزیانها و بختیارها مدعی است که «حزب توده به جمهوری اسلامی خیانت کرده است» (!) و علیه آن فعالیت و توطئه می‌کند، این گروه نیز برای اثبات ادعایش «دلایل» دارد:

در دفتر حزب توده «میل نرم» و «موسائل رفاهی دیگر» وجود داشته است! «دستگاه تهویه دفتر حزب توده ساخت روسیه بوده و از آنجا وارد شده است»، «روزنامه حزب توده در سفارت شوروی چاپ می- شود»، «خانه تیمی حزب توده»،

کدوزار خشم آکین و دیوانه‌واری از دوسو، علیه حزب توده ایران براف افشاده است. از یکسو تاسی دشمنان سوگند خورده و آشکار انقلاب ایران، که از جنگ دادگام- های انقلاب گریخته و زیر سایه دولت‌های امپریالیستی سرسبزده، توطئه کثرت میلیونی مردم و به شکست کشاندن انقلاب ایران را سازمان میدهند، دیکتاتورهای سر- سیزده انحصارات امپریالیستی، که امکانات خود را برای ساقط کردن جمهوری اسلامی ایران در اختیار اربابان خویش و کوردناگران قرار داده‌اند، از بختیار، تزیه، اویسی و پالیزیان گرفته تا سدام و شیاع- الحق، حزب توده ایران را خشم آکین بیاد دشمنان و اتهام گرفته‌اند، سوگند می‌خورند که آنرا نابود سازند و توده‌های را قتل‌عام کنند، اعلام می- کنند که از روی اجساد توده‌های پاره ایران بازخواهند گشت، اعلام میکنند که در صورت بازگشت به قدرت حاضرند به کلیه احزاب، بجز حزب توده ایران، آزادی فعالیت بدهند، و این حزب را «منحل» خواهند کرد و ...

ضدانقلابیون علت خشم خود را پنهان نمی‌کنند علت آنستکه «حزب توده ایران از رژیم خمینی پشتیبانی می‌کند»، «حزب توده ایران، در کشف توطئه‌های کودتاگران به جمهوری اسلامی یاری میرساند»، «حزب توده ایران رژیم خمینی را تقویت می‌کند» و ...

گروه دوم، که از داخل، از طریق مطبوعات و رسانه‌های گروهی، از جانب برخی‌ها که خود را هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی و پیرو اند امام و یا در شکل گروه‌های موسوم به «حزب‌اللهی»، حزب توده ایران را مورد حملات آن را، در ایران خود قرار میدهند، دفاعی آن را، در سبازده، اینجا و آنجا مانع فعالیت قانونی توده‌ای‌ها میشوند و ... نیز معتقدند که حزب توده ایران را باید «نابود کرد»، «منحل» نمود و «کوبیده»، زیرا که حزب توده ایران به جمهوری اسلامی ایران خیانت می- کند»، «حزب توده ایران قصد دارد آوردن خنجر بر پشت جمهوری اسلامی ایران دارد»، «حزب توده ایران علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کند»، «حزب توده ایران در کار جمهوری اسلامی ایران کار- شکی میکند» و ...

هر دو دسته می‌خواهند حزب توده ایران را «نابود کنند»، «منحل» سازند، هر دو دسته بشدت از حزب توده ایران خشمناک هستند و دیوانه‌وار بدان می‌تازند... اما یکی از این دو گروه که خود را سرچین دشمن تشنه بخون انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و رهبر انقلاب و ریشناک‌ساز جمهوری اسلامی ایران اعلام می- کند، حزب توده ایران را بدلیل پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران و عقیم گذاردن توطئه‌های براندازی و دره‌بشکنند، سرنوشت کودتای شاه و جلاداش بهترین گداه سحت این ادعا و آمادگی مردم ایران و مسئولان جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی قاطع جبهه قدرتمند ضد امپریالیستی در سراسر جهان از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، بیانگر شکست، محتوم تلاش خائنه آنهاست.

بااینهمه باید به امپریالیسم پاسخ درخور داد. باید بر حسیاری و آمادگی افزود و اعتراض جهانی علیه توطئه جدید امپریالیسم آمریکا علیه خلق برابر همسایه و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را تشدید کرد.

بازدید کنندگان، به زبان آلمانی، درباره عکسها توضیح میدادند. بزرگترین قسمت نمایشگاه عکس‌های شهدای انقلاب اختصاص داشت و رفقای توده‌ای که روی آن به بزرگ این قسمت، که تزیین شده زبانهای آلمانی و فارسی نوشته شده بود: «۷۰۰ هزار گتت، صدها هزار تخمی، ای مرگ بر آمریکا»، برای بازدید کنندگان، جنابات زیربوی را بازم بیشتر اشاء می‌کردند.

آخرین قسمت نمایشگاه، دروغهای بزرگ شاه سابق را درباره «تمدن بزرگ» افشا می‌کرد. در این قسمت دهها عکس از زندگی زحمت کشان روستای ایران به زبانهای شده و در بالای آن به زبانهای فارسی و آلمانی نوشته شده بود: «تمدن بزرگ برای گوتت نشینها» درست در کنار این تصاویر،

در پایان جشن، رفیق فراتس- موری، صدر حزب کمونیست اطریش، طر سخنان پرستوری برای هزاران نفر، شنیدنا تشنج فزاینده آمریکا و ناتو را محکوم کرد و از سیاست تشنج‌زدانی اتحاد شوروی دفاع نمود. او بنام حزب کمونیست اطریش از دولت خواست که هر چه سریعتر مخالفت خود را با نصب موشکهای آمریکا در اروپا اعلام کند.

غرفه روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

«فره روزنامه نامه «مردم» در محوطه وسیع برپا شده و در بالای آن شعار بزرگ سرنگون باد امپریالیسم جنایتکار آمریکا، به زبان آلمانی، نصب شده بود. در کنار این پلاکاردها، بزرگترین شمار جشن دیده میشد که، به زبان آلمانی بر آن نوشته شده بود:

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بیاضی

خیابان ۱۱۶ آذر شمار ۶۸۳

(دفتر نامه «مردم»
هتوز در اختیار
نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM
No. 332
14 September 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

کودتای امریکائی در ترکیه...

تدارک میشود، جای مناسبی نیز به ترکیه اختصاص داده است.

این کودتای زمانی صورت میگردد که کمی پیش از آن ۱۸۰۰ تنگنکار دریائی امریکائی در خلیج فارس مستقر گشته و کمی پس از آن نیز ۲۰۰۰ تنگنکار امریکائی به مصر انتقال می‌یابند. بدینسان این کودتای امریکائی علاوه بر آنکه علیه خلق ترکیه است، آشکارا حلقه‌ای از حلقات توطئه تجاوز و براندازی را علیه انقلاب ایران، تکمیل می‌کند و همدارای جدی و خطرناک و بیانگر مرحله تازه‌ای از

تدارک میشود، جای مناسبی نیز به ترکیه اختصاص داده است.

این کودتای زمانی صورت میگردد که کمی پیش از آن ۱۸۰۰ تنگنکار دریائی امریکائی در خلیج فارس مستقر گشته و کمی پس از آن نیز ۲۰۰۰ تنگنکار امریکائی به مصر انتقال می‌یابند. بدینسان این کودتای امریکائی علاوه بر آنکه علیه خلق ترکیه است، آشکارا حلقه‌ای از حلقات توطئه تجاوز و براندازی را علیه انقلاب ایران، تکمیل می‌کند و همدارای جدی و خطرناک و بیانگر مرحله تازه‌ای از

تدارک میشود، جای مناسبی نیز به ترکیه اختصاص داده است.

این کودتای زمانی صورت میگردد که کمی پیش از آن ۱۸۰۰ تنگنکار دریائی امریکائی در خلیج فارس مستقر گشته و کمی پس از آن نیز ۲۰۰۰ تنگنکار امریکائی به مصر انتقال می‌یابند. بدینسان این کودتای امریکائی علاوه بر آنکه علیه خلق ترکیه است، آشکارا حلقه‌ای از حلقات توطئه تجاوز و براندازی را علیه انقلاب ایران، تکمیل می‌کند و همدارای جدی و خطرناک و بیانگر مرحله تازه‌ای از

تدارک میشود، جای مناسبی نیز به ترکیه اختصاص داده است.

تدارک میشود، جای مناسبی نیز به ترکیه اختصاص داده است.

این کودتای زمانی صورت میگردد که کمی پیش از آن ۱۸۰۰ تنگنکار دریائی امریکائی در خلیج فارس مستقر گشته و کمی پس از آن نیز ۲۰۰۰ تنگنکار امریکائی به مصر انتقال می‌یابند. بدینسان این کودتای امریکائی علاوه بر آنکه علیه خلق ترکیه است، آشکارا حلقه‌ای از حلقات توطئه تجاوز و براندازی را علیه انقلاب ایران، تکمیل می‌کند و همدارای جدی و خطرناک و بیانگر مرحله تازه‌ای از

تدارک میشود، جای مناسبی نیز به ترکیه اختصاص داده است.

این کودتای زمانی صورت میگردد که کمی پیش از آن ۱۸۰۰ تنگنکار دریائی امریکائی در خلیج فارس مستقر گشته و کمی پس از آن نیز ۲۰۰۰ تنگنکار امریکائی به مصر انتقال می‌یابند. بدینسان این کودتای امریکائی علاوه بر آنکه علیه خلق ترکیه است، آشکارا حلقه‌ای از حلقات توطئه تجاوز و براندازی را علیه انقلاب ایران، تکمیل می‌کند و همدارای جدی و خطرناک و بیانگر مرحله تازه‌ای از

تدارک میشود، جای مناسبی نیز به ترکیه اختصاص داده است.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود